


Original Article



Determinants of Access to Wetland Ecosystem Services-Application of IPBES Framework and Access Theory (Case Study: Zaribar International Wetland in Marivan County)

Received: 2023.12.06

Accepted: 2024.01.16

Karwan Shanazi, Mousa Aazami* 

Department of Agricultural
Extension and Education,
Faculty of Agriculture, Bu-
Ali Sina University,
Hamedan, Iran

EXTENDED ABSTRACT

Introduction: Understanding access to natural ecosystems and identifying potential priorities for harnessing the benefits of nature will be crucial factors in reducing inequality of access. Additionally, this understanding will inform the future planning and management of protected areas. The degree to which an individual can access ecosystem services depends on a complex range of mechanisms including social relations, institutions, capabilities, property rights, and various capitals. Various frameworks have been developed to conceptualize these linkages and describe the relationships between ecosystem services and human well-being, which include social and natural sciences and objective and subjective criteria. One of the significant and important frameworks in this field is the Intergovernmental Platform on Biodiversity and Ecosystem Services (IPBES). In this study, the factors outlined by Ribot and Peluso (2003) in the access theory were integrated with components of the IPBES framework, providing a theoretical foundation for investigating the determinants of access to ecosystem services in the Zaribar Wetland.

Material and Methods: The current research is applied, qualitative, and has an inductive approach. In order to analyze the data obtained from the semi-structured interviews, the content analysis method was used. The study area of the research is the villages around Zaribar Wetland in Marivan City, there are 10 villages with a population of 2853 households, which are in close interaction and depend on the services of the Wetland. Non-probability purposeful snowball sampling was used to select the investigated individuals or samples. The selection of samples continued until the adequacy and the theoretical saturation of the data were reached, and finally the researcher reached the theoretical saturation by conducting 22 interviews. In this study, Guba and Lincoln's four criteria—validity, transferability, reliability, and verifiability (Guba & Lincoln, 1989) were employed to assess the validity of the research. Data analysis was structured around the 'IPBES framework' and the 'access theory'.

Results and Discussion: The process of qualitative content analysis was used to analyze the factors affecting residents' access to Zaribar wetland ecosystem services in Marivan City. First, 106 primary codes were extracted. By multiple revisions and integration of codes based on similarity during several stages, five main categories and 17 subcategories were extracted. The five main categories and themes identified in this analysis were institutional-management, structural-communication, infrastructural-technological, economic-capital and environmental-contextual.

Conclusion: Access to ecosystem services in wetland communities, including those in Zaribar, is complex and dynamic, influenced by interwoven relationships and affected by economic, environmental, and other factors. The results of this study show that different regulations and organizational arrangements regarding people's access, instead of strengthening interaction and proper relationships, have caused different types of exchange relationships and unequal rights in the field of this ecosystem. Most ecosystem services are produced through both ecosystem processes and social actions, and thus their assessment cannot be separated from the social context in which they are embedded. As a result, it is recommended that more ecosystem service research be done with process-oriented, context-specific and integrated approaches, based on the recognition of the complexity of social-ecological realities.

Keywords: Institutional management, Structural communication, Access, IPBES, Zaribar Wetland ecosystem

How to cite this article:

Shanazi, K. and Aazami, M.,
2024. Determinants of
Access to Wetland
Ecosystem Services-
Application of IPBES
Framework and Access
Theory (Case Study: Zaribar
International Wetland in
Marivan County). *Environ.
Sci.* 22(2): 349-372

* Corresponding Author Email Address: m.aazami@basu.ac.ir

DOI: 10.48308/envs.2024.1363




Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.

عوامل تعیین کننده دسترسی خدمات اکوسیستم های تالابی-کاربست چارچوب IPBES و تئوری دسترسی (مورد: تالاب بین المللی زیربار در شهرستان مریوان)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶

کاروان شانازی، موسی اعظمی* 

گروه ترویج و آموزش کشاورزی،
دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی
سینا، همدان، ایران

چکیده مبسوط

سابقه و هدف: درک دسترسی به اکوسیستم های طبیعی و اولویت های احتمالی برای بهره مندی از مزایای طبیعت، عوامل کلیدی در شناسایی راه های کاهش نابرابری در دسترسی و نیز آگاهی بخشی برای برنامه ریزی و مدیریت مناطق حفاظت شده در آینده خواهد بود. درجه ای که یک فرد می تواند به خدمات اکوسیستم دسترسی داشته باشد به طیف پیچیده ای از مکانیسم ها از جمله روابط اجتماعی، نهادها، قابلیت ها، حقوق مالکیت و سرمایه های مختلف بستگی دارد. چارچوب های مختلفی برای مفهوم سازی این پیوندها و تشریح روابط بین خدمات اکوسیستم و رفاه انسان ایجاد شده اند که علوم اجتماعی و طبیعی و معیارهای عینی و ذهنی را در بر می گیرد یکی از چارچوب های مرتبط و قابل توجه و اهمیت در این زمینه پلتفرم بین دولتی تنوع زیستی و خدمات اکوسیستمی (IPBES) است در این مطالعه با ترکیب عوامل Ribot and Peluso (2003) در تئوری دسترسی با بخشی از چارچوب IPBES این امکان و بستر برای بررسی و مطالعه علمی فراهم می گردد که چه عواملی در تعیین سطح دسترسی مردم به خدمات اکوسیستم تالاب زیربار موثر هستند.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی، از نظر پارادایم کیفی و دارای رویکرد استقرایی است، به منظور تجزیه و تحلیل داده های حاصل از مصاحبه های نیمه ساختارمند از روش تحلیل محتوا در قالب نرم افزار ATLAS.ti7 استفاده شد. منطقه مورد مطالعه، جوامع روستایی حاشیه تالاب زیربار در شهرستان مریوان به تعداد ۱۰ روستا با جمعیت ۲۸۵۳ خانوار بودند که در تعامل نزدیک و وابسته به خدمات تالاب هستند. برای انتخاب افراد یا نمونه های مورد بررسی از روش کیفی بهره گرفته شد. نمونه گیری به صورت غیراحتمالی هدفمند و به شیوه گلوله برفی انجام گرفت. انتخاب نمونه ها تا حصول کفایت و رسیدن به اشباع نظری داده ها تداوم یافت که در نهایت پژوهشگر با انجام ۲۲ مصاحبه به اشباع نظری رسید. در این پژوهش برای ارزیابی اعتبارسنجی پژوهش از چهار معیار گوبا و لینکلن شامل قابلیت اعتبار، انتقال پذیری، قابلیت اطمینان و تأییدپذیری استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها حول "چارچوب IPBES" و "تئوری دسترسی" دسته بندی شد.

نتایج و بحث: نتایج این مطالعه منجر به شناسایی پنج مقوله و مضمون اصلی شد که دسترسی ساکنان حاشیه تالاب زیربار را تحت تاثیر قرار می دهند این عوامل عبارتند از نهادی-مدیریتی، ساختاری-ارتباطی، زیرساختی-فناورانه، اقتصادی-سرمایه ای و محیطی-زمینه ای. مقوله های فرعی این عوامل نیز شامل "عضویت و مشارکت نهادی"، "قوانین و مقررات تالاب"، "مدیریت یکپارچه اکوسیستمی"، "حقوق و مالکیت ها"، "نفوذ و قدرت اجتماعی"، "مجوزها"، "روابط و شبکه های اجتماعی"، "توافقات بین المللی"، "تغییرات اقلیم"، "وضعیت زمین"، "موقعیت جغرافیایی"، "زیرساخت و بازار"، "ابزار و تجهیزات"، "نیروی کار"، "سرمایه مالی"، "دانش بومی و تخصصی" و "تسهیلات دولتی" است.

نتیجه گیری: دسترسی به خدمات اکوسیستم در جوامع حاشیه تالابی از جمله زیربار، پیچیده، در حال تغییر، با درهم تنیدگی روابط و متاثر از عوامل اقتصادی، نهادی، محیطی و غیره است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می دهد که مقررات و ترتیبات سازمانی مختلف در رابطه با دسترسی جوامع، به جای تقویت تعامل و رابطه مناسب، تا حدی موجب انواع مختلفی از روابط مبادله و حقوق نابرابر در حوزه این اکوسیستم شده است. بیشتر خدمات اکوسیستمی هم از طریق فرآیندهای اکوسیستمی و هم از طریق اقدامات اجتماعی تولید می شوند، و بنابراین ارزیابی آن ها را نمی توان از بافت اجتماعی که در آن تعبیه شده جدا کرد. در نتیجه، توصیه می گردد که تحقیقات خدمات اکوسیستمی بیشتر با رویکردهای فرآیندگرا، زمینه ای خاص و یکپارچه، بر اساس شناخت پیچیدگی واقعیت های اجتماعی-اکولوژیکی صورت گیرد.

واژه های کلیدی: مدیریت یکپارچه اکوسیستمی، دسترسی، اکوسیستم تالاب زیربار، پلتفرم بین دولتی تنوع زیستی و خدمات اکوسیستم

استناد به این مقاله: شانازی، ک.

و م. اعظمی. ۱۴۰۳. عوامل تعیین کننده دسترسی خدمات اکوسیستم های تالابی-کاربست چارچوب

IPBES و تئوری دسترسی (مورد: تالاب بین المللی زیربار در شهرستان

مریوان). فصلنامه علوم محیطی. ۳۷۲-۳۴۹: (۲) ۲۲

* Corresponding Author Email Address: m.aazami@basu.ac.ir

DOI: 10.48308/envs.2024.1363



مقدمه

ارمغان بیاورند (Ghermandi *et al.*, 2010). از جمله این مزایا پشتیبانی تنوع زیستی زیستگاهها، حفاظت از بانکهای ژنی، جداسازی کربن، تغذیه آبهای زیرزمینی، تنظیم جریان آب (با کاهش سیلاب)، جلوگیری از نفوذ آب شور، حفظ رسوبات و مواد مغذی، جلوگیری از فرسایش خاک، تولید زیست توده، پاک کردن سموم، منابع تفریحی و گردشگری و تولید مواد غذایی (شیلات) و محصولات طبیعی بوده (Clarkson *et al.*, 2013; Sandifer *et al.*, 2015; Zhu *et al.*, 2016; Jayathilaka and Serasinghe, 2019; Negev *et al.*, 2018) اما با این وجود، فشار فزاینده-ای بر روی تالابها از طریق رشد جمعیت و افزایش تقاضا برای محصولات غذایی وجود دارد. توسعه پایدار تالابها تقریباً برای همه کشورها بویژه برای کشورهای در حال توسعه که با دغدغه استفاده مناسب از منابع طبیعی برای رشد اقتصادی تلاش می کنند، کم و بیش یک موضوع چالش برانگیز است (Wang *et al.*, 2008; Zaldivar Jimenez *et al.*, 2017). استفاده پایدار از منابع بخصوص تالابها مستلزم اعمال محدودیت‌های کمتری نسبت به رویکرد حفاظت‌گرا است. تحقیقات کمی در مورد اینکه چگونه تغییر در جنبه‌های مدیریت و حکمرانی، بر دسترسی به خدمات اکوسیستم تأثیر می گذارد، انجام شده است. درک دسترسی به اکوسیستم‌های طبیعی و اولویت‌های احتمالی برای بهره‌مندی از مزایای طبیعت، عوامل کلیدی در شناسایی راه‌های کاهش نابرابری در دسترسی و نیز آگاهی بخشی برای برنامه‌ریزی و مدیریت مناطق حفاظت شده در آینده خواهد بود. (Daw *et al.*, 2015) دسترسی را بعنوان کلید "توانایی افراد برای بهره‌مندی از خدمات اکوسیستم تعریف کرده‌اند، خواه این توانایی محقق شود یا خیر. بنابراین اگر مکانیسم‌های دسترسی برای بهره‌مندی از آن را نداشته باشند افزایش سهم یا کیفیت یک خدمت اکوسیستمی تأثیر کمی بر رفاه افرادی که در نزدیکی اکوسیستم زندگی می کنند خواهد داشت (Daw *et al.*, 2015). مفهوم‌سازی توزیع نابرابر مزایا

مفهوم "خدمات اکوسیستم" به دلیل اهمیت و ارتباط آن با مدیریت عملی اکوسیستم‌های مختلف، توجه روزافزون محققان و دست اندرکاران موضوع را به خود جلب کرده است (Müller and Burkhard, 2012; Salata *et al.*, 2017). خدمات اکوسیستم در واقع، فرایندها و کارکردهایی هستند که مردم به طور آگاهانه یا غیرآگاهانه، مستقیم یا غیرمستقیم از آن سود می‌برند و کیفیت زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده (Costanza *et al.*, 2017)؛ لذا بعنوان نقش اکوسیستم‌ها در رفاه انسان‌های مقیم در پیرامون آن توصیف شده‌اند (Hauck *et al.*, 2013). ارزیابی اکوسیستم هزاره به صراحت بیان می‌کند مردم محلی بعنوان بخش جدایی‌ناپذیر اکوسیستم‌ها مطرح بوده و تعامل پویایی بین آن‌ها و دیگر بخش‌های اکوسیستم وجود دارد بطوریکه تغییر در منافع ایجاد شده (خدمات و فرآیندهای اکوسیستم) رفاه انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (MEA, 2005). در عصر بحران‌های زیست‌محیطی جهانی، بررسی تعامل و وابستگی متقابل بین سیستم‌های انسانی (معیشت) و طبیعی (اکوسیستم‌ها) برای دستیابی به آینده‌ای پایدار و مقاوم بسیار حیاتی است (Ostrom, 2010). Yang *et al.* (2017) در ارزیابی وابستگی و دسترسی انسان به خدمات اکوسیستم و تأثیر آن بر رفاه نشان دادند، آن دسته از خانوارهای محروم که دسترسی کمتری به انواع سرمایه، خسارات بیشتر دارایی، یا کاهش درآمد شدید داشتند، آسیب‌های بیشتری را در رفاه انسانی تجربه کردند. (Kelemen *et al.*, 2016) استدلال می‌کنند که درک جنسیتی از خدمات اکوسیستم می‌تواند سیاست‌های منصفانه، مشروع و موثر، مقررات سازمانی و مداخلات مدیریتی برای اکوسیستم‌ها و تنوع زیستی ایجاد کند. شواهد نشان می‌دهد که تالاب‌ها می‌توانند مزایای بسیار زیادی را برای جامعه بشری در قالب خدمات اکوسیستم به

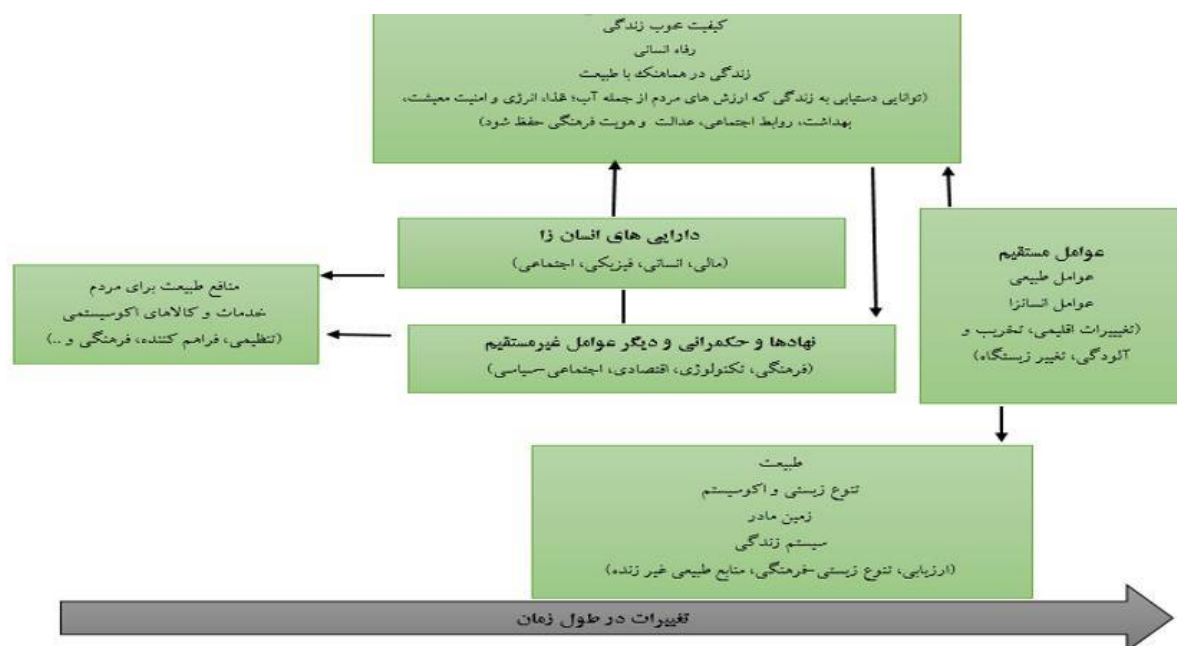
اکوسیستم جنگل با افزایش فاصله تا جنگل و وجود کوهپایه‌ها در چشم‌انداز، که موانع طبیعی را تشکیل می‌دهند، کاهش یافت. درجه‌ای که یک فرد می‌تواند به خدمات اکوسیستم دسترسی داشته باشد به طیف پیچیده‌ای از مکانیسم‌ها از جمله روابط اجتماعی، نهادها، قابلیت‌ها، حقوق مالکیت و سرمایه‌های مختلف بستگی دارد (Ribot and Peluso, 2003). Szaboova et al. (2019) در مطالعه تعیین عوامل دسترسی به محیط‌های طبیعی در مناطق روستایی و ساحلی چهار مکانیسم را گزارش کردند که دسترسی به مزایای اکوسیستم را تحت تاثیر قرار می‌دهد: مکانیسم‌های مبتنی بر حقوق، فیزیکی، ساختاری و رابطه‌ای، و روانی اجتماعی. نتایج Liu et al. (2022) نشان داد که دانش بوم‌شناختی محلی و توانایی اجتماعی شدن، قابلیت‌های فردی کلیدی هستند که تعیین می‌کنند آیا کشاورزان محلی می‌توانند به خدمات اکوسیستم دسترسی داشته باشند یا خیر.

تجزیه و تحلیل دسترسی، فرآیند شناسایی و ترسیم مکانیسم‌هایی است که بوسیله آن‌ها دسترسی بدست آمده، حفظ و کنترل می‌شود. علاوه بر این، از آنجا که الگوهای دسترسی در طول زمان تغییر می‌کنند، باید بعنوان فرآیند درک شوند تجزیه و تحلیل دسترسی منابع ابتدا مستلزم شناسایی موضوع مورد ارزیابی است (یک مزیت خاص که از یک منبع خاص حاصل می‌شود) مزایای حاصل از یک منبع می‌تواند در تولید (مانند کشت مزارع برنج، نگهداری کندوهای زنبور عسل، کاشت درخت، حفاظت از جنگل‌ها)، استخراج (برداشت غلات، جمع‌آوری عسل، چوب بری، شکار)، فراوری محصول، مبادله، حمل و نقل، توزیع یا مصرف منتج گردد. هنگامیکه منافع حاصل از این منابع شناسایی شد، می‌توانیم به تحلیل مکانیسم‌های متعددی بپردازیم که افراد، گروه‌ها یا نهادها از طریق آن‌ها در شرایط خاص سیاسی و فرهنگی دسترسی، کنترل یا حفظ می‌کنند. این روابط علی را می‌توان به طور سیستماتیک از نظر مکانی و تاریخی ردیابی

در مطالعات علوم اجتماعی نیز سابقه‌ای طولانی دارد. رویکرد حقوقی سن (۱۹۸۱) به تجزیه و تحلیل قحطی نشان داد که افراد ممکن است همچنان در صورت در دسترس بودن غذا، به دلیل مکانیسم‌های اجتماعی، اقتصادی و سازمانی که بر دسترسی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، قحطی را تجربه کنند. اگرچه کاربرد محدودی از این چارچوب‌ها و نظریه‌ها برای دسترسی خدمات اکوسیستم وجود داشته است، اما مطالعات قبلی نشان داده‌اند که مکانیسم‌های اجتماعی و نهادی، در کنار دانش، مهم‌تر از مکانیسم‌های اقتصادی یا مبتنی بر حقوق در تعیین دسترسی هستند (Hicks and Cinner, 2014). این امر منجر به افزایش ادغام و یکپارچگی داده‌های اجتماعی مربوط به خدمات اکوسیستم، برای بهبود درک نحوه استفاده و ارزش‌گذاری مردم از خدمات شده است (Dawson and Martin, 2015). Lakerveld et al. (2015) در تجزیه و تحلیل توزیع نابرابر خدمات اکوسیستم و فرآیندهای اجتماعی در هند عوامل و فرآیندهای تعیین‌کننده را در مواردی چون: نیازهای ویژه منابع متفاوت، هویت‌های فرهنگی متفاوت، موقعیت اجتماعی متمایز و قدرت چانه‌زنی، شیوه‌های اجتماعی محروم‌کننده و مشمول‌کننده و دسترسی متفاوت دانستند. هنگام ارزیابی ارائه خدمات اکوسیستمی، توزیع فضایی مزایا و اینکه آیا همه به آن‌ها دسترسی برابر دارند ملاحظات بسیار مهمی هستند برخی از بخش‌های جامعه بطور بالقوه از دسترسی بیشتری به مزایای اکوسیستم‌ها برخوردار می‌شوند، زیرا حمل‌ونقل شخصی یا درآمد قابل دسترس بالاتری دارند (Shanahan et al., 2014). در همین رابطه Martinez-Harms et al. (2018) نیاز به گسترش شبکه مناطق حفاظت شده و اکوسیستم‌های طبیعی بویژه در مناطق کم‌درآمد برای کاهش نابرابری در دسترسی به مزایای خدمات اکوسیستم فرهنگی ارائه شده توسط طبیعت به مردم را ضروری می‌دانند. برخی از عدم دسترسی‌ها ناشی از دوری و ناهمواری طبیعی است. (Mensah et al., 2017) دریافتند فراوانی جمع‌آوری و دسترسی خدمات تامینی

کرد (Ribot and Peluso, 2003) پرداختن به چنین موضوعاتی با توجه به روند افزایش مناطق تحت حفاظت (از جمله تالابها) و توسعه مکانیسم‌های جدید برای اداره آنها اهمیت ویژه‌ای دارد. چارچوب‌های مختلفی برای مفهوم‌سازی این پیوندها و تشریح روابط بین خدمات اکوسیستم و رفاه انسان ایجاد شده‌اند که علوم اجتماعی و طبیعی و معیارهای عینی و ذهنی را در بر می‌گیرد (MEA, 2005; Agarwala et al., 2014; Fisher et al.,)

کود (Díaz et al., 2015; Ribot and Peluso, 2003). یکی از عواملی که اغلب در این چارچوب‌های قبلی دیده نمی‌شود، درک آنچه ممکن است بر دسترسی نوع بشر به خدمات اکوسیستم تأثیر بگذارد است، زیرا افراد تنها در صورتی قادر به درک مزایای خدمات هستند که بتوانند به آنها دسترسی داشته باشند. یکی از چارچوب‌های مرتبط و قابل توجه و اهمیت در این زمینه پلتفرم بین دولتی تنوع زیستی و خدمات اکوسیستمی (IPBES) ^۱ است (شکل ۱).



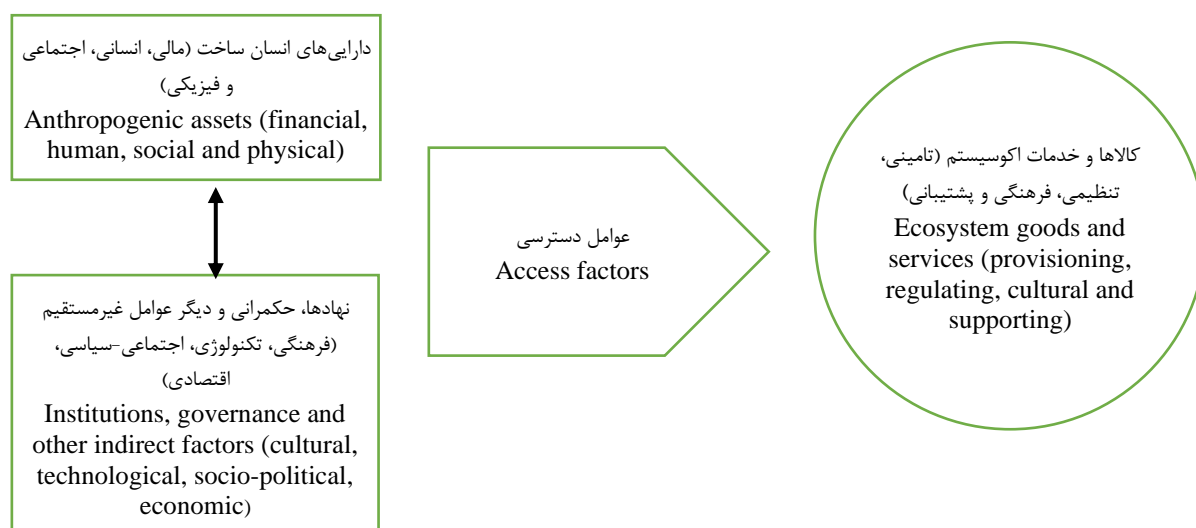
شکل ۱- چارچوب مفهومی IPBES (Díaz et al., 2015)

Fig. 1- Conceptual framework of IPBES (Díaz et al., 2015)

پاسخ داد (Tengo et al., 2016; Pascual et al., 2017) با این حال، درحالی‌که این چارچوب شامل دارایی‌های انسانی، مؤسسات و سیستم‌های حکمرانی است، ارتباط بین این عوامل و سایر عوامل و اینکه چگونه ممکن است بر توانایی یک فرد برای دسترسی به خدمات اکوسیستم تأثیر بگذارد، یعنی درک مزایای بالقوه از محیط را روشن نمی‌کند لذا در این مطالعه با ترکیب عوامل (Ribot and Peluso 2003) در تئوری دسترسی با بخشی از چارچوب IPBES (شکل ۲) این امکان و بستر برای بررسی و مطالعه علمی فراهم می‌گردد که چه عواملی در تعیین سطح دسترسی مردم به خدمات اکوسیستم تالاب زیربار موثر هستند.

این چارچوب در سال ۲۰۱۲ بعنوان یک نهاد مستقل بین دولتی باز برای همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد با هدف "تقویت رابط علم و سیاست برای حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی، رفاه طولانی مدت انسان و توسعه پایدار" ایجاد شد (IPBES, 2017). چارچوب مذکور با استفاده از کارگاه‌های چند رشته‌ای، شامل ذینفعان مختلف، سیستم‌های دانش و کشورها، بر اساس نقد چارچوب‌های قبلی موجود عمل می‌کند (Schmeller and Bridgewater, 2015; Pascual et al., 2017; Díaz et al., 2015). این چارچوب به نقد چارچوب‌های قبلی که فاقد رویکردهای بین رشته‌ای برای درک خدمات اکوسیستم و رفاه انسان بودند

نیافته است. به این معنا که ارزیابی‌های اکوسیستم معمولاً توجه کمی به شناسایی ذینفعان واقعی یا فرضی و مکانیسم‌هایی که توسط آن‌ها ممکن است منافع حاصل شود، داشته است. این توانایی آن‌ها را برای هدایت سیاست‌ها و مداخلات در مقیاس محلی محدود می‌کند.



شکل ۲- مدل مفهومی پژوهش
Fig. 2- Conceptual model of the research

(Braun and Clark, 2006). منطقه مورد مطالعه برای پژوهش روستاهای حاشیه تالاب زیربار در شهرستان مریوان به تعداد ۱۰ روستا با جمعیت ۲۸۵۳ خانوار بودند که در تعامل نزدیک و وابسته به خدمات تالاب هستند. برای انتخاب افراد یا نمونه‌های مورد بررسی از روش کیفی بهره گرفته شده و از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند به شیوه گلوله برفی استفاده شد. در ابتدا با توجه به شناخت و آگاهی محقق، مشاهدات میدانی و در راستای اهداف پژوهش، از خبرگان مطلع که از نظر محقق، توانایی و شایستگی پاسخ به سؤال‌های مطرح شده را داشتند، مصاحبه به عمل آمد و سپس خبرگان دیگری توسط آن‌ها معرفی گردید. انتخاب نمونه‌ها تا حصول کفایت و رسیدن به اشباع نظری داده‌ها تداوم یافت که در نهایت پژوهشگر با انجام ۲۲ مصاحبه به اشباع نظری رسید. در ابتدای مصاحبه هدف پژوهش بیان و تاکید گردید که از مصاحبه‌ها تنها برای مقاصد پژوهشی استفاده خواهد شد سپس سوالات پژوهش

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی، از نظر پارادایم کیفی و دارای رویکرد استقرایی است، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند از روش تحلیل محتوا استفاده شد. تحقیقات کیفی اغلب ماهیت اکتشافی دارند و در جستجوی بینش‌های نو هستند و بیشتر از رویکرد استقرایی استفاده می‌کنند (Patton, 2002). تأکید پژوهش کیفی بر تحلیل موارد خاص در زمان و مکان مربوط به خودشان و با شروع از نظرات مردم و فعالان در زمینه و بستر محلی است. تحلیل محتوا یک راهبرد تقلیل و تحلیل داده‌ها و نیز تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی داده‌های کیفی است (Given, 2008). در این روش محقق به دنبال یافتن الگوهای تکراری معنادار است. مضمون نشان دهنده اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و پرسش‌های پژوهش و تاحدی معنی مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد

در مرحله مقوله‌بندی، با مقایسه مداوم کدها و گروه‌بندی کدهای مشابه، مضامین فرعی استخراج شدند. این مراحل چندین بار به صورت رفت و برگشتی انجام شد. سپس مضامین فرعی مجدداً بررسی و بر حسب شباهت‌ها و تفاوت‌ها، گروه‌بندی شدند و مضامین اصلی بدست آمد. در این پژوهش برای ارزیابی اعتبارسنجی پژوهش از چهار معیار گوبا و لینکلن (Guba and Lincoln, 1989) شامل قابلیت اعتبار، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تأییدپذیری استفاده شد. در رابطه با اعتبار‌پذیری، از روش‌های طرح شفاف و صریح پرسش‌ها، انجام مصاحبه در شرایط مناسب برای پاسخگویان، تنوع بخشی به پرسش‌ها، طرح شده از طریق شکستن پرسش‌های محوری، چندجانبه‌گرایی (اطمینان بخشی به مصاحبه شونده‌گان درباره محرمانه ماندن و امانت‌داری در قبال اطلاعات ارائه شده و مشارکت‌دهی آن‌ها در جمع‌بندی دیدگاه‌های ارائه شده به منظور نزدیک ساختن برداشت‌های متقابل استفاده شد. یافته‌های تحقیق با استفاده از روش‌های متعدد نظیر مصاحبه، بررسی اسناد و مدارک و مطالعات کتابخانه‌ای، جمع‌آوری شد و تحلیل داده‌ها از نظر زمان، مکان و اشخاص مختلف، غنی شده است. این موارد به افزایش قابلیت اعتبار می‌انجامد.

مطرح گردید. این سوالات شامل یک سؤال کلی درباره عوامل موثر در تعیین دسترسی به خدمات اکوسیستم تالاب در منطقه و همچنین پرسش‌های تعقیبی و کاوشی بود که بر اساس انعکاسی از پاسخ مصاحبه‌شونده و به منظور افزایش عمق و درک موضوع، مطرح شدند داده‌های جمع‌آوری شده از طریق مصاحبه‌ها، در صورت موافقت مصاحبه‌شونده‌گان، ضبط شدند و در صورت مخالفت آن‌ها، یادداشت‌برداری انجام گرفت. مدت زمان هر مصاحبه بطور متوسط ۴۰ دقیقه بود. افزون بر مصاحبه‌های عمیق از اسناد کتابخانه‌ای، شامل مقاله‌های پژوهشی و چارچوب‌های مرتبط، گزارش‌ها، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های سازمانی نیز به عنوان روش مکمل استفاده شد. انتخاب این اسناد در سه مرحله متوالی بررسی، انتخاب و تحلیل صورت پذیرفت (Bhatt et al., 2020).

برای دستیابی به ترکیب معقولی از افراد گزینش شده معیارهای سن، جنسیت، ثروت و غیره لحاظ گردید. تحلیل داده‌ها همزمان با گردآوری آن‌ها انجام شد. برای این منظور در پایان هر مصاحبه، نسخه صوتی ضبط شده و یا نسخه یادداشت‌برداری شده، بصورت دقیق و کلمه به کلمه در قالب فایل ورد رونویسی شده و سپس این نسخه‌های متنی وارد نرم افزار تحلیل کیفی ATLAS.ti شدند.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شونده‌گان

Table 1. Demographic characteristics of the interviewees

سن Age	فراوانی Frequency	شغل Occupation	فراوانی Frequency	تحصیلات Education	فراوانی Frequency	جنسیت Gender
61 حداکثر Maximum	13	کشاورزی Agriculture	6	ابتدایی Elementary	21	مرد Male
34 حداقل Minimum	9	غیرکشاورزی Non-agricultural	6	دیپلم Diploma	1	زن Female
44.6 میانگین Average			8	لیسانس Bachelor		
			2	فوق لیسانس Master		

این رابطه درصد توافق موضوعی بعنوان شاخص پایایی تحلیل استفاده می‌شود. با توجه به محاسبات ذکر شده در جدول طبق فرمول زیر، پایایی بین دو کدگذار برای مصاحبه‌های انجام شده بیشتر از ۰/۷۰ است، لذا قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها (فرض توافق بین محقق و کدگذار دوم) مورد تأیید واقع می‌شود (جدول ۲).

\times تعداد توافقات بدست آمده = درصد توافق درون گروهی $\times 100$ / تعداد کل کدها ۲

در این پژوهش، اخذ رضایت آگاهانه، حفظ اطلاعات هویتی افراد، برخورد عادلانه با تمامی افراد، قطع فرایند مصاحبه در جایی که مشارکت‌کننده تمایل به ادامه فرایند ندارد، به حداقل رساندن میزان مزاحمت برای دسترسی و واگذاری حق انتخاب مکان و زمان مصاحبه به مشارکت‌کنندگان با هدف راحتی و آسایش آن‌ها، پرهیز از هرگونه رفتاری که بیانگر قضاوت نسبت به صحبت‌های مشارکت‌کننده باشد و رعایت امانت‌داری در پیاده‌سازی محتوای مصاحبه‌ها، بعنوان ملاحظات اخلاقی مدنظر قرار گرفت.

قابلیت تأیید: تأییدپذیری به معنای کوشش در جهت احراز شاخص عینیت در پژوهش است. در پژوهش کیفی این امر بیشتر به معنای قدرت تحلیل و دقت داده‌ها و میزان تأیید آن‌ها است. در این پژوهش برای رسیدن به قابلیت تأییدپذیری، ثبت دقیق هر مرحله از جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها با بررسی داده‌های خام، تفسیرها و پیشنهادها و یافته‌ها انجام پذیرفت. همچنین داده‌های خام و تمامی یادداشت‌ها، اسناد و مدارک ضبط شده برای بازبینی‌های بعدی در صورت لزوم نگهداری شده است. برای دستیابی به قابلیت انتقال، توصیفات کاملی از مجموعه داده‌های مطالعه، مقوله‌ها، زمینه و بستر تحقیق، خصوصیات مشارکت‌کنندگان و روش‌های جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها ارائه شد؛ و بدین ترتیب شرایط کاربرد یافته‌ها در دیگر بسترهای اجتماعی برای خوانندگان فراهم گردید.

قابلیت اطمینان: جهت سنجش پایایی یا قابلیت اطمینان مصاحبه با روش توافق دو کدگذار، از یک محقق درخواست شد تا چند مصاحبه را به همراه محقق کدگذاری نماید. در

جدول ۲- محاسبه پایایی بین دو کدگذار

Table 2. Calculation of reliability between two coders

پایایی دو کدگذار Reliability	تعداد توافقات Agreements	تعداد کدها Codes	کدگذار Encoder	عنوان مصاحبه Interview title
0.90	19	23	محقق Researcher	مصاحبه ۵ Interview 5
		19	کدگذار دوم Second coder	
0.88	16	20	محقق Researcher	مصاحبه ۱۲ Interview 12
		16	کدگذار دوم Second coder	
0.89	35	78	کل Total	

نتایج و بحث

در این پژوهش، فرایند تحلیل محتوای کیفی هدایت شده برای تحلیل عوامل تأثیرگذار بر دسترسی ساکنان به خدمات اکوسیستم تالاب زریبار در شهرستان مریوان استفاده شد و نخست، ۱۰۶ کد اولیه استخراج شد. با بازبینی متعدد و ادغام کدها بر اساس تشابه در طی چندین مرحله، پنج مقوله اصلی و ۱۷ مقوله فرعی استخراج شد (جدول ۳). پنج مقوله و مضامین اصلی شناسایی شده در این تحلیل عبارتند از نهادی-مدیریتی، ساختاری-ارتباطی، زیرساختی-فناورانه، اقتصادی-سرمایه‌ای و محیطی-زمینه‌ای. در ادامه عوامل شناسایی شده با توجه مضامین کسب‌شده از تجزیه و تحلیل داده‌ها تشریح می‌شوند.

عوامل نهادی-مدیریتی

نخستین گروه از عوامل موثر در تعیین دسترسی ساکنان به خدمات تالاب عامل نهادی-مدیریتی است که دربرگیرنده سه مضمون فرعی "عضویت و مشارکت نهادی"، "قوانین و مقررات تالاب" و "مدیریت یکپارچه اکوسیستمی" است.

در رابطه با زیر عامل عضویت و مشارکت نهادی طبیعی است که شرایط و سازوکارها در طول زمان تغییر می‌کنند و ماهیت قدرت و اشکال دسترسی به منابع نیز تغییر می‌کنند. توجه به این تفاوت در ارتباط با دسترسی یکی از راه‌هایی است که کمک می‌کند تا دسترسی را بعنوان یک تحلیل پویا مدنظر قرار داد. در ارتباط با تالاب زریبار می‌توان اذعان کرد که مجموعه‌ای از تشکلهای و انجمن‌های زیست‌محیطی دولتی و مردم نهاد شکل گرفته‌اند که عضویت و مشارکت در آنها بطور مستقیم و غیرمستقیم دسترسی مردم و ساکنان را به خدمات تالاب زریبار تحت تأثیر قرار داده است. تعاونی صیادان از جمله مهمترین این تشکلهای است که سبب دسترسی قانونی بیش از ۴۰ خانوار به منابع ماهی

و شیلات تالاب شده است و از این راه امرار معاش می‌کنند. این درحالی است که سایرین از این حق دسترسی قانونی بهره‌مند نیستند. به گفته یکی از ساکنان "ما نمی‌توانیم ماهیگیری کنیم، تنها اعضای تعاونی بطور قانونی به منابع ماهی تالاب دسترسی دارند و بقیه افراد محروم هستند، ما جریمه می‌شویم". عضویت در سایر نهادها و تشکلهای از جمله تشکلهای آب‌بران و انجمن زیست‌محیطی سبز چیا نیز دسترسی قانونی به منابع تالاب را برای بخش عمده‌ای از مردم تسهیل کرده است. انجمن سبز چیا بعنوان تأثیرگذارترین نهاد غیردولتی زریبار در راستای صیانت و حفاظت از آن با کمک جوامع محلی توانسته است که موجبات معیشت پایدار، توسعه اکوتوریسم و پرندنگری در روستاهای اطراف زریبار را فراهم نماید و تأثیرات مثبتی هم بر زریبار و هم برای مردم به همراه داشته باشد. مشارکت و همکاری ساکنان در فعالیت‌ها و برنامه‌های مرتبط با تالاب توسط دستگاه‌های اجرایی نیز تاحدودی سبب تقویت دسترسی‌ها شده است، گاهی بعنوان پاداش مشارکت دسترسی‌های مقطعی و کنترل شده‌ای داده می‌شود. در این باره یکی از ساکنان می‌گوید "مردم روستای بالا چون همکاری کردند امتیاز گرفتند از دولت، طرح آبیاری اجرا شد برای آنها اما ما نه". در کل عضویت و مشارکت نهادی از نظر تأثیر بر دسترسی خدمات تالاب زریبار موجب بهبود و افزایش دسترسی‌ها (اگرچه مقطعی و محدود) شده است. در این باره شواهد زیادی وجود دارد که بیان می‌کند که پذیرش، درگیر کردن و مشارکت دادن اولیه جوامع تحت تأثیر برنامه‌ریزی و فعالیت‌های تصمیم‌گیری برای پیاده‌سازی کارآمد اقدامات مدیریت منابع طبیعی نقش کلیدی دارد (Rodriguez Martinez, 2008).

"قوانین و مقررات تالاب" زیر عامل تأثیرگذار دیگری در این گروه عامل است. قانون حفاظت، احیا و مدیریت تالاب‌های کشور مشتمل بر پنج ماده و سه تبصره جهت

تعادل اهداف حفاظت و معیشت رویکرد مدیریت یکپارچه اکوسیستم مطرح شد، که یک فرآیند فرابخشی است که با درگیر نمودن کلیه ذینفعان و در نظر گرفتن اولویت بخش‌های مختلف در چارچوب یک برنامه جامع فرابخشی اقدام می‌کند. در این چهارچوب برای تهیه یک برنامه مدیریتی از رویکرد راهبردی مشارکتی استفاده می‌شود و مشارکت ذینفعان سبب خواهد شد تا نظرات، دانش، خواسته‌ها و نیازهای افراد و گروه‌های ذیربط تالاب، در تدوین برنامه لحاظ شود. موفقیت مدیریت یکپارچه اغلب به توسعه شبکه‌های نهادی و اعتماد بین آن‌ها نیاز دارد (Berkes, 2017). در همین راستا طرح مدیریت جامع تالاب زیربار در سال ۱۳۹۷ با همکاری سازمان‌های دولتی و مردم نهاد و جامعه محلی تدوین و در قالب اهداف کوتاه‌مدت و میان‌مدت و بلندمدت در حال اجرا است، اما آنچه از دیدگاه ساکنان برداشت می‌شود این طرح هنوز نتوانسته به اهداف و برنامه‌های تعیین شده خود که همان اهداف حفاظت و توسعه خدمات، معیشت ساکنان و حکمرانی خوب تالاب است دست یابد، به اعتقاد یکی از ساکنان "تضاد و تعارض بین دولت و نهادهای مدنی باعث سلب دسترسی ما شده است، کمتر به مردم رجوع می‌کنند، رجوع هم می‌کنند با ما هماهنگ نیستند، سیاست‌های ادارات باعث تعارض در مدیریت یکپارچه شده است بطوریکه ادارات و انجمن‌ها با هم دشمن شده‌اند، همه برای نفع شخصی کار می‌کنند با دشمنی نمیشود کار کرد". مطالعات بیان داشته‌اند که عدم مدیریت یکپارچه و مشارکتی اکوسیستم‌ها اغلب منجر به درگیری و تضاد، بویژه بین ذینفعان و نهادهای عمومی اداری می‌شود (Nita et al., 2018). برای اجرای مدیریت یکپارچه باید اهداف اصلی و اولویت‌دار بر اهداف کم‌اهمیت ترجیح داده شود زیرا رضایت تک تک ذینفعان و گروه‌داران ممکن نخواهد بود.

اجرا در سال ۱۳۹۶ ابلاغ شده است. اما آنچه پیداست ساکنان از چگونگی وضع قوانین، عدم جامعیت، فقدان شفافیت و ابهام در مورد قوانین تالاب زیربار ناراضی هستند و آن را عاملی برای محدود کردن دسترسی خود به خدمات تالاب عنوان کرده‌اند. یکی از ساکنان در این مورد عنوان کرد "هیچ کس از قوانین آن‌ها سر در نمی‌آورد، مردم روستایی قوانین را خیلی نمی‌دانند، ما قبول نداریم چون به نفع خودشان است و به ضرر زندگی و امرارمعاش مردم". اکثر ساکنان نسبت به قوانین تالاب آگاه نیستند و آنانی هم که اطلاع دارند برداشت‌ها متفاوت است. به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان "قانون بالای جاده و پایین جاده برای حریم تالاب زیربار گذاشتند، به نظرم بی‌معنی است". لذا از آنچه تفسیر شد شفافیت و عدالت در قوانین تالاب خواسته ساکنان حاشیه تالاب است. در همین راستا عدم موفقیت برخی از مناطق حفاظت شده در ارائه نتایج اقتصادی اجتماعی و زیست‌محیطی به نوع ساختارهای نهادی توسعه یافته، استراتژی اجرای قانون و نحوه توزیع منابع موجود نسبت داده می‌شود (Turner et al., 2016). Islam et al. (2017) عنوان کردند که قوانین شفاف ماهیگیری احتمالاً باعث کاهش سردرگمی ماهیگیران در رابطه با مقررات اجرا شده، تشویق بیشتر به مقررات، کاهش تعارضات استفاده از منابع، نقض قوانین و اجرای موثر مقررات می‌شود.

"مدیریت یکپارچه اکوسیستمی" بعنوان زیرعامل سوم مفهومی جدید در بحث مدیریت و حکمرانی تالاب‌ها است. مدیریت تحت فرمان و کنترل دولت محدودیت‌هایی را در استفاده از منابع ایجاد کرده است که منجر به حفظ تنوع زیستی می‌شود (Brockington and Wilkie, 2015) از طرف دیگر، این مدل متداول حکمرانی با اجازه دادن به دسترسی برخی از افراد در حالیکه دیگران را مستثنی کرده است، حقوق و معیشت مردم را تهدید کرده است. برای غلبه بر این تناقض و

جدول ۳- مضامین و کدهای استخراج شده از مصاحبه عوامل موثر در تعیین دسترسی به خدمات تالاب

Table 3. Themes and codes extracted from interviews of effective factors in determining access to wetland services

مضامین اصلی Main themes	مضامین فرعی Sub-themes	کد اولیه Primary code	تأثیر بر دسترسی خدمات Impact on service access	ارتباط با چارچوب IPBES link to the IPBES framework
عوامل نهادی-مدیریتی Institutional- management factors	عضویت و مشارکت نهادی Membership and institutional participation	- عضویت تعاونی‌های تالاب، انجمن‌های محلی و زیست‌محیطی - عضویت در نهادهای دخیل در مدیریت تالاب - مشارکت مردم محلی در تصمیم گیری‌های تالابی	عضویت و مشارکت موجب افزایش دسترسی شده اما این دسترسی فراگیر نبوده است. Membership and participation have increased access, but this access has not been comprehensive	نهاد و حکمرانی (اجتماعی-سیاسی) Institution and governance (socio- political)
	قوانین و مقررات تالاب Wetland rules and regulations	- شفاف نبودن قوانین و مقررات بهره- برداری و دسترسی منابع تالاب - بی‌اطلاعی از وضع و اجرای قوانین - فقدان قوانین و مقررات بازدارنده - فقدان معیار مشخص و شفاف برای حریم تالاب	بستگی به وضع قوانین و درک افراد از قوانین دارد. عدم آگاهی محلی و عدم شفافیت در قوانین تالاب زریبار مشهود است. It depends on the rules and people's understanding of the rules.	نهاد و حکمرانی (اجتماعی-سیاسی) Institution and governance (socio- political)
	مدیریت یکپارچه اکوسیستمی Integrated ecosystem management	- عدم توانایی مدیریت در برابر مشکلات و استفاده از فرصت‌ها - فقدان مدیریت یکپارچه و فرابخشی - تعدد افراد و نهادهای متولی امور تالاب - تضاد و تعارض بین ذینفعان دولتی و نهادهای مدنی - و ...	مدیریت یکپارچه و مشارکتی موجب دسترسی عادلانه و هدایت شده به خدمات با در نظر گرفتن جنبه‌های زیست‌محیطی می‌گردد اما این مدیریت در تالاب زریبار در مراحل اولیه خود قرار دارد و هنوز نتوانسته به اهداف تعیین شده خود دست یابد. Integrated and participatory management provides fair and directed access to services by considering environmental aspects, but this management in Zaribar wetland is in its early stages and has not yet been able to achieve its set goals.	نهاد و حکمرانی (اجتماعی-سیاسی، اقتصادی) Institution and governance (socio- political)
عوامل ساختاری- ارتباطی Structural- communication	حقوق و مالکیت Rights and property	- نامشخص بودن وضعیت برخی مالکیت های اطراف تالاب - عدم واگذاری حقوق اولیه تالاب به ساکنان محلی - مکانیسم حقوقی غیرقانونی - قوانین خرده مالکی و نبود یکپارچه- سازی مالکیت‌ها - و ...	تعارض برخی مالکیت‌ها و عدم تخصیص حقوق تالابی دسترسی ساکنان محلی را به خدمات تالاب را در مواردی محدود کرده است The conflict of some ownerships and the non-allocation of wetland rights have limited the access of local residents to wetland services	نهاد و حکمرانی (اجتماعی-سیاسی) Institution and governance (socio- political)
	قدرت و نفوذ اجتماعی Power and social influence	- رانت و نفوذ در دستگاه‌های مدیریتی تالاب - تسلط افراد ذی نفوذ در تصمیم‌گیری‌ها - تبعیض در بهره‌مندی از منابع تالابی - و ...	سبب افزایش دسترسی‌های غیر مجاز و غیرقانونی می‌گردد که در مورد تالاب زریبار نیز صادق است. It causes the increase of unauthorized and illegal access, which is also true in the case of Zaribar Wetland	نهاد و حکمرانی (اجتماعی-سیاسی) Institution and governance (socio- political)

ادامه جدول ۳- مضامین و کدهای استخراج شده از مصاحبه عوامل موثر در تعیین دسترسی به خدمات تالاب
 Table 3. Themes and codes extracted from interviews of effective factors in determining access to wetland services

ارتباط با چارچوب IPBES link to the IPBES framework	تأثیر بر دسترسی خدمات Impact on service access	کد اولیه Primary code	مضامین فرعی Sub-themes	مضامین اصلی Main themes
دارایی های انسان ساخت (اجتماعی) Human assets (social)	بی عدالتی و دسترسی بیشتر افراد متنفذ را در پی داشته است It has resulted in injustice and more access to influential people	- ضعف تشکل های غیر دولتی و زیست- محیطی - دسترسی آسان رهبران و روسای محلی نسبت به عموم - رابطه با مدیران و افراد قدرت - عدم امکان رابطه و تعامل بین فقرای محلی و مدیران مختلف تالاب	روابط و شبکه های اجتماعی Relationships and social networks	
نهاد و حکمرانی (اجتماعی-سیاسی) اقتصادی) Institution and governance (socio- political- economic)	دسترسی محلی را نسبت به گذشته محدود کرده زیرا از برنامه های موجود در توافق بین المللی که مردم محلی را متنفع می کند چشم پوشی می گردد. It has limited local access compared to the past because the programs in the international agreement that benefit the local people are ignored.	- توافقتنامه و دستورات بین المللی حفاظت از تالاب - محدودیت ناشی از توافقتنامه و مقررات بین المللی بر مردم محلی - عدم هزینه کامل اعتبارات و کمک های بین المللی برای تالاب و معیشت ذینفعان پیرامونی	توافقات بین المللی International agreements	عوامل ساختاری- ارتباطی Structural- communication
نهاد و حکمرانی (اقتصادی) Institution and governance (economic)	مجوزها متناسب با نیازهای محلی نیست و سوگیری فراوانی در اعطای آن وجود دارد لذا فقط طیف خاصی از مردم بهره- مند می گردند. Licenses are not suitable for local needs and there is a lot of bias in granting them, so only a certain range of people benefit	- پیچیدگی و دشواری اخذ مجوزها در تالاب - اعطای مدرک و مجوزها به افراد خاص - عدم امکان بهره مندی مردم فقیر از مجوزها - ناسازگاری مجوزها با نیازهای محلی و...	مجوزها Licenses	
دارایی های انسان- ساخت (فیزیکی) Human assets (physical)	زیرساخت های اولیه همچون جاده و نزدیکی به مرکز شهر و بازارهای فصلی دسترسی را تا حدودی بهبود بخشیده اما متناسب با نیازها نیست. Basic infrastructures such as roads and proximity to the city center and seasonal markets have somewhat improved accessibility, but they are not in line with the needs	- جاده و نزدیکی به مرکز شهر - بازار فصلی و توسعه نیافته - ناکافی بودن زیرساخت ها در فصل های گردشگری (پارکینگ- هتل و ...) - مشکلات ناشی از زیرساخت های انرژی	زیرساخت و بازار Infrastructure and market	عوامل زیرساختی- فناورانه Infrastructural- technological
دارایی های انسان- ساخت (فیزیکی- تکنولوژی) Human assets (physical- technological)	دسترسی خدمات را محدود کرده است Restricted access to services	- محدودیت های ناشی از فنس ها و حفاظ و دوربین های اطراف تالاب - مشکل دسترسی به منابع مختلف آب و تجهیزات چاه های لوله، پمپ ها و برق و ...	ابزار و تجهیزات Tools and equipment	
دارایی های انسان- ساخت (انسانی) Human assets (human)	وجود نیروی کار خانوادگی با مهارت و توان کافی سبب افزایش دسترسی به برخی از خدمات می شود The existence of family labour with sufficient skills and ability increases access to some services	- وجود نیروی کار خانوادگی - دشواری صید، آماده سازی، حمل و نقل و بازاریابی خدمات اکوسیستم برای عامه مردم - کمبود افراد آموزش دیده و ماهر کافی در امور تالابی در منطقه (ضعف مهارت مردم محلی)	نیروی کار Labor	عوامل اقتصادی- سرمایه ای Economic-capital

ادامه جدول ۳- مضامین و کدهای استخراج شده از مصاحبه عوامل موثر در تعیین دسترسی به خدمات تالاب
Table 3. Themes and codes extracted from interviews of effective factors in determining access to wetland services

ارتباط با چارچوب IPBES link to the IPBES framework	تأثیر بر دسترسی خدمات Impact on service access	کد اولیه Primary code	مضامین فرعی Sub-themes	مضامین اصلی Main themes
دارایی های انسان- ساخت (مالی) Human assets (financial)	ضعف سرمایه مالی عمده مردم محلی امکان بهره مندی از خدمات و دسترسی های قانونی را نیز با مشکل مواجه کرده است The weakness of the major financial capital of the local people has also made it difficult for them to benefit from legal services and access	- ضعف بنیه و سرمایه مالی خانوارهای محلی - عدم امکان تامین مالی برای اخذ مجوزها و تجهیزات مورد نیاز - فرصت های اشتغال - جذب سرمایه گذار خارجی و غیر بومی	سرمایه مالی Financial capital	
دارایی های انسان- ساخت (انسانی) Human assets (human)	دانش بومی در مورد تولیدات تالابی امکان دسترسی به منابع را بیشتر می کند. افرادی که دانش تخصصی در مورد خدمات ناشناخته تالابی در اختیار دارند (گیاهان دارویی و تولیدات دیگر) نسبت به بقیه دسترسی بیشتری به خدمات خواهند داشت. Local knowledge about wetland production increases the possibility of access to resources. People who have specialized knowledge about unknown wetland services (medicinal plants and other products) will have more access to services than others.	- اطلاعات فنی-تخصصی بهره برداری از منابع ناشناخته تالاب - آگاهی محلی از طرح ها و برنامه های تالاب - دانش بومی در زمینه استفاده و شناسایی تولیدات تالابی و بهره برداری از آن ها و ... - آموزش های توانمندسازی بهره گیری از خدمات اکوسیستم	دانش بومی و تخصصی Local and specialized knowledge	عوامل اقتصادی-سرمایه ای Economic-capital
دارایی های انسان- ساخت (مالی) Human assets (financial)	تسهیلات و اعتبار سبب حفظ و تداوم دسترسی به خدمات می گردد در منطقه مورد مطالعه تسهیلات محدود و ناکافی گزارش شده است. Facilities and credit cause the maintenance and continuity of access to services. In the studied area, limited and insufficient facilities have been reported.	- ناکافی بودن کمک های مختلف دولتی - فقدان بستر مناسب برای توسعه فعالیت های اقتصادی متنوع وابسته به تالاب - محدود بودن تسهیلات و اعتبارات دولتی - بی توجهی به نظام بیمه بهره برداران محلی	تسهیلات دولتی Government facilities	
نهاد و حکمرانی (اجتماعی-سیاسی) Institution and governance (socio-political)	تغییرات اقلیم و پیامدهای آن در سال های اخیر موجب کاهش دسترسی شده است. Climate change and its consequences in recent years have reduced accessibility	- وقوع و استمرار پدیده خشکسالی در منطقه - تهدید فزاینده کاهش حجم آب و منابع آبی تالاب - گرم شدن آب و هوا و تهدیدات ناشی از آن - آلودگی هوا ناشی از وجود و گسترش ریزگردها - آلودگی منابع آب تالاب	تغییرات اقلیم Climate changes	
دارایی های انسانی (فیزیکی مالی) Human assets (financial)	زمین و انواع کاربری های آن در حاشیه تالاب عامل مهمی در دستیابی به منافع و دسترسی های دیگر است که این مهم با محدودیت هایی چون مالکیت های غیرشفاف، عدم سرمایه گذاری و فرسایش روبه روست. Land and its types of uses on the edge of the wetland is an important factor in achieving benefits and other accesses, which is faced with limitations such as Non-transparent ownership, lack of investment and erosion.	- موجودیت زمین - مالکیت خاص زمین های حاشیه تالاب - خرده مالکی تعدد بهره برداران محلی و مشکلات مختلف ناشی از آن - عدم سرمایه گذاری بر روی زمین ها - گسترش فرسایش خاک و تخریب زمین های حاصلخیز محلی	زمین Land	عوامل محیطی-زمینه ای Environmental-contextual
دارایی های انسان ساخت (فیزیکی) Human assets (physical)	موقعیت مکانی و جغرافیای مناسب اکثر روستاها نسبت به تالاب دسترسی را تسهیل کرده است. The location and geography of most of the villages has facilitated access to the wetland	- صرف زمان کوتاه مردم محلی برای بهره برداری از منابع تالابی - نبود موانع طبیعی و دسترسی آسان به خدمات تالابی - فاصله تقریباً نزدیک برخی روستاها از تالاب، مرکز شهر و بازار	موقعیت جغرافیایی Geographical location	

عوامل ساختاری - ارتباطی

از گروه عوامل دیگر موثر در تعیین سطح دسترسی ساکنان محلی به خدمات تالاب زیربار گروه عامل "ساختاری - ارتباطی" است که در زیر عواملی نظیر "حقوق و مالکیت‌ها"، "نفوذ و قدرت اجتماعی"، "مجوزها"، "روابط و شبکه‌های اجتماعی" و "توافقات بین‌المللی" دیده می‌شود.

"قدرت و نفوذ اجتماعی" بعنوان یک زیر عامل اثرگذار در گروه عامل "ساختاری - ارتباطی" شناخته شد. اگرچه روابط قدرت تا حد زیادی عامل دسترسی، استفاده و مدیریت اکوسیستم‌ها است، اما هنوز در حوزه علمی خدمات اکوسیستم مورد توجه چندانی قرار نگرفته است. این نادیده انگاشتن، موجب محدودتر شدن توانایی رویکرد خدمات اکوسیستم برای هدایت تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی که می‌تواند پایداری اکولوژیکی و نتایج اجتماعی منصفانه ارائه دهد، گردد (Szaboova et al., 2020). در مطالعه حاضر بر پایه نقطه نظرات پاسخگویان نفوذ و قدرت اجتماعی برخی افراد نحوه مدیریت، تصمیمات و حتی دسترسی به خدمات تالاب را تحت تاثیر قرار داده است. آنچه که آن‌ها اذعان می‌دارند این است که افرادی باعث عدم اجرای مصوبه‌های تصمیم‌گیری شده تالاب می‌شوند که از قدرت و جایگاه خود سو استفاده کرده و یک سری حقوق و دسترسی‌ها را برای خود قائل می‌شوند. یکی از افراد در این باره می‌گوید "قدرت باعث شده بعضی‌ها تصمیمات نادرست در رابطه با تالاب بگیرند چون قدرت تصمیم‌گیری دست آن‌ها است". یکی دیگر از ساکنان بیان داشت که "یکی با رابطه مجوز خانه سه طبقه در حریم تالاب می‌گیرد اما به من اجازه کانکس هم نمی‌دهند". روابط با مدیران یا اعضای کمیته‌های مدیریتی ممکن است دسترسی آسان‌تر و مدارای بیشتر در قبال نقض قوانین یا بالعکس را برای برخی افراد و گروه‌ها فراهم کند. این موارد و موارد مشابه نشان می‌دهد رابطه با مدیران و افراد نهادی دسترسی را برای بعضی افراد تسهیل کرده است. Djoudi et al. (2013) در مطالعه آسیب‌پذیری

معیشت دام و دامداری در شمال مالی تاکید کردند محرک-های آسیب‌پذیری که مربوط به دسترسی منابع، دسترسی و روابط قدرت است ظهور یافته و علاوه بر این منافع سیاسی و روانی مانع انتقال عادلانه قدرت محلی و استفاده پایدار از خدمات اکوسیستم جنگل می‌گردد.

"سازوکارهای حقوقی و مالکیت‌ها" زیر عامل تاثیرگذار دیگری در حوزه ساختاری - ارتباطی است که به نظر می‌رسد بر دسترسی‌ها اثرگذار بوده است. یک اصل اساسی تئوری دسترسی این است که تخصیص حقوق و سطوح ظرفیت بر مزایا تأثیر می‌گذارد (Bennett et al., 2018) با این حال، مطالعات نسبتاً کمی رابطه بین مکانیسم‌های مختلف دسترسی (حقوق یا ظرفیت‌ها) و مزایا را بررسی کرده‌اند. مالکیت‌های حوزه تالاب شامل حریم و پهنه‌های مشخص شده (آبی و نیزارها و پناهگاه) دولتی است و مالکیت‌های خارج از آن (زمین‌های کشاورزی) خصوصی و متعلق به ساکنان روستایی است. با این حال بین دولت و ساکنان بر سر برخی مالکیت‌ها و حریم‌ها تعارضاتی وجود دارد. با خشک شدن برخی از پهنه‌های آبی تالاب در حاشیه زمین‌های کشاورزی در سالیان گذشته ساکنان اقدام به تصرف و مالکیت آن داشته‌اند که با مخالفت نهادهای متولی دعاوی حقوقی ایجاد شده است. کشاورزی حاشیه تالاب به شدت خرده مالکی است که همین قوانین خرده مالکی و نبود یکپارچه‌سازی مالکیت‌ها سبب آسیب‌های زیست-محیطی و کاهش بهره‌وری اقتصادی شده است از جمله موجب تعدد چاه‌های غیرقانونی و دسترسی غیر مجاز و غیر اصولی به منابع آب تالاب را در پی داشته است. خرد بودن همچنین سبب عدم سرمایه‌گذاری کافی بر روی زمین شده است و کشاورزی اکثر خانوارها را در حد معیشتی نگه داشته است. یکی از ساکنان در این باره اظهار داشت "کشاورزی بیشتر اینجا معیشتی و برای خانوار است، زمین‌های ما کوچک و قطعه قطعه است و نمی‌شود خیلی روی آن سرمایه گذاری کرد، جهاد کشاورزی به ما می‌گوید نباید زمین‌ها را تکه تکه کنید، ما می‌دانیم که اینکار اشتباه است اما هیچ

می‌تواند به طور هدفمند حقوق دسترسی را با هدف افزایش بهره‌وری، در دسترس بودن و پایداری خدمات تالاب کاهش دهد.

"توافقات و معاهدات بین‌المللی" زیرعامل مهم دیگری در این گروه عامل بوده است که از نقطه نظرات افراد مورد بررسی استخراج گردیده است. کنوانسیون تالابها تنها معاهده حقوقی بین‌المللی با محوریت اصلی تالابها است که در سال ۱۹۷۱ در شهر رامسر ایران امضا شد و به کنوانسیون رامسر معروف شد. از سال ۱۹۷۵ لازم‌الاجرا شد و تاکنون ۱۷۰ کشور بعنوان طرف‌های متعهد به آن پیوستند. چارچوب استفاده عاقلانه که توسط کنوانسیون توسعه یافته است، مکانیزی را برای اطمینان از قرار گرفتن تالابها در دستور کار جهانی توسعه پایدار فراهم می‌کند، از اقدامات مربوط به تنوع زیستی، تغییرات آب و هوا، کاهش خطر بلایا و تخریب زمین پشتیبانی می‌کند (Ramsar, 2010). تالاب زیربار در سال ۱۳۹۷ به شماره سایت ۲۳۶۹ در کنوانسیون بین‌المللی رامسر ثبت شده است و تابع چارچوبها و مقررات تالابهای بین‌المللی این کنوانسیون است از جمله مهمترین آن حفاظت و استفاده خردمندانه از تالابها است (Ramsar, 2019) اما آنچه در مورد تالاب زیربار صادق است این است که اهداف حفاظت و محدودیت‌های اعمال شده بسیار بیشتر از اهداف توسعه خدمات و معیشت ساکنان وابسته مدنظر است. به گفته مردم محلی "مقررات بین‌المللی شدن زیربار (کنوانسیون رامسر) تنها محدودیتها و حفاظتش برای مردم محلی است، بودجه‌ها و پولها برای خودشان است نه برای احیا تالاب، چرا برای زیربار و ساکنان هزینه نمی‌کنند" لذا نیاز است با توجه به شرایط محلی در تعهدات مربوطه بازنگری صورت گیرد و انعطاف لازم اعمال شود تا ساکنان نیز بتوانند از خدمات تالاب بهره‌مند گردند.

عوامل زیرساختی - فناوریانه

مکانیسم‌های زیرساختی (فیزیکی) و فناوری شامل مجموعه عواملی است که توانایی مردم محلی را برای دسترسی

برنامه‌ای برای انجام ندادن این کار نیست" به نظر می‌رسد تدوین الگوی کشت واحد و مناسب در این حوزه بتواند تا حدودی راهگشا باشد. یکی دیگر از مباحث مهم در این زمینه عدم تخصیص حقوق اولیه تالاب به ساکنان محلی است گاهی اوقات سیاست‌ها یا قوانین جدید به وضوح تمام اختیارات را مشخص نمی‌کند در نتیجه درگیری بر سر حل این تعارضات و ابهامات ایجاد می‌شود. نمونه‌ای از این موارد در سیستم‌های مدیریت مشارکتی منابع یافت می‌شود که مرزهای حقوق و دسترسی مشخص نیست (Sundar, 2001; Baviskar, 2001). در نتیجه به نام تمرکززدایی یا مشارکت، ادعا می‌کنند که مردم را وارد یک فرآیند مدیریتی «مشارکتی» می‌کنند، اما ممکن است در انتقال حقوق اکوسیستم به مردم محلی شکست بخورند. این ابهام به کارکنان دولتی و افراد قدرت اختیار بیشتری در تخصیص دسترسی می‌دهد. از دیگر مضامین (زیرعامل) پر تکرار در این حوزه مضمون "مجوزها" است. مجوزها بطور مستقیم سبب دسترسی افراد به خدمات تالاب می‌شوند. با نگاهی به فعالیتها و اقدامات صورت گرفته به نظر می‌رسد بیشتر این مجوزها در حوزه گردشگری و بومگردی تالاب و کمترین مجوزها در بخش کشاورزی (حفر چاه، شکار و...) بوده است. فرایند صدور مجوزها و حق دسترسی‌های قانونی در حاشیه تالاب زیربار با سوگیری‌هایی همراه است و بهره‌مندی از آن پیچیده و برای عامه مردم امکان‌پذیر نیست. یکی از ساکنان ابراز داشت "درخواست مجوز آموزشگاه دادم قبول نکردند، مجوز برخی فعالیتها را فقط به افرادی می‌دهند که لیسانس داشته باشد، می‌گویند چون زیربار پناهگاه حیات وحش شده هیچگونه مجوز و پروانه شکار و صید داده نمی‌شود". با این توصیفات دسترسی به منابع تالابی ثابت نخواهد بود. دسترسی ساکنان در مقیاس کوچک به منابع تالاب به دلیل تغییر حقوق و مقررات صدور مجوز، تغییر تخصیص به گروه‌های مختلف یا افزایش یا کاهش ظرفیتها در سطح فردی یا جمعی بطور مداوم تغییر می‌کند. تلاش‌های حفاظت از تالاب و مدیریت منابع همچنین

موجود است اما بکارگیری آن ها جهت بهره برداری از خدمات تالاب نیازمند مجوزها و دسترسی های قانونی است. یکی از ساکنان در این زمینه بیان داشت "آن ها (دولت) چاه های غیر مجاز را پر می کنند، افراد تعاونی صیادان تورهای ماهیگیری مردم را جمع آوری و پاره می کنند".

"دسترسی به بازارها" از طرق مختلف بر توانایی بهره مندی از منابع تأثیر می گذارد. توانایی بهره مندی از یک منبع می تواند بیشتر به دسترسی مالک آن به بازارها بستگی داشته باشد تا کسانی که حقوقی بر آن دارند. برپایه نتایج بازارهای فصلی و موقت کشاورزی و صنایع دستی در اغلب روستاهای حاشیه تالاب در فصولی از سال ایجاد می گردد که عاملی برای درآمد و معیشت ساکنان بوده است اگرچه این بازارهای موقت رونق گردشگری و درآمد را به دنبال داشته اما مردم محلی توسعه هر چه بیشتر آن را خواستارند یکی از افرادی که در بازارچه فصلی فعالیت می کرد عنوان کرد "معیشت و درآمد من در بهار و تابستان بر روی بازارچه های روستایی است، ما نیازمند غرفه هایی هستیم که اشتغالزایی بیشتر گردد، فله ای فروخته نشود". از طرفی عدم تناسب زیرساخت ها با نیازهای جامعه محلی بخصوص در حیطه گردشگری در فصول پیک گردشگر عاملی برای محدودسازی دسترسی ساکنان و افراد غیر بومی به خدمات (بویژه گردشگری تالاب) در این منطقه عنوان شده است "در فصل بهار اینجا ترافیک زیاد است، پارکینگ باشد مسافر بیشتر هم می شود ما هم بیشتر استفاده می پریم".

عوامل اقتصادی - سرمایه ای

وضعیت اقتصادی و میزان سرمایه موجود می تواند بعنوان گروهی از عوامل همسان سطح دسترسی به منابع موجود را تحت تأثیر قرار دهد. "دسترسی به سرمایه مالی" عموماً بعنوان دسترسی به ثروت در قالب منابع مالی و تجهیزات (که در ذیل فناوری نیز مورد بحث قرار گرفت) در نظر گرفته می شود که می تواند در خدمت استخراج، تولید، تبدیل، بسیج نیروی کار و سایر فرآیندهای مرتبط با کسب منافع از اکوسیستم باشد و توسط مردم مورد استفاده قرار گیرد.

فیزیکی به مکان های محیطی و بهره برداری از خدمات اکوسیستم تسهیل می کند و شامل حمل و نقل و سایر اشکال آن، ابزار و تجهیزات و فناوری است (Szaboova *et al.*, 2021; Bennett *et al.*, 2020). جاده تعداد افراد و انواع وسایل نقلیه را که می توانند به مناطق دوردست برسند تغییر داده و ماهیت دسترسی فیزیکی را تغییر می دهد. امکانات حمل و نقل و زیرساخت های آن به دلیل نزدیکی به مرکز شهر و مقصد گردشگری، در سراسر حوزه تالاب در دسترس است، (Aazami and Shanazi 2018) سرمایه فیزیکی ساکنان حاشیه تالاب زیربار رضایت بخش ارزیابی کرده و عنوان کردند که تالاب زیربار در بهبود این شاخص اثرگذار بوده است. ساکنان معمولاً نارضایتی خود را از کیفیت حمل و نقل، محدودیت برخی خدمات ویژه (پارکینگ، عدم آسفالت جاده های فرعی و نبود جاده بین مزارع و بازار توسعه نیافته محلی، و ...) ابراز کردند.

"دسترسی به فناوری"، دسترسی به منابع را از طرق مختلف تحت تأثیر قرار می دهد. حصارها و موانع فیزیکی و فناوری دوربین های مدار بسته فناوری ها و تجهیزاتی برای کنترل دسترسی هستند، هم به این دلیل که از نظر فیزیکی برخی افراد را از یک منبع دور نگه می دارد و هم نمادی از قصد محدود کردن دسترسی است. حصارها و موانع فیزیکی در حریم تالاب زیربار ایجاد و عاملی برای تفکیک دسترسی های قانونی و غیرمجاز است، همچنین تعداد نه دوربین در سراسر تالاب برای رصد دسترسی های غیر مجاز تعبیه شده است. فناوری هایی که توانایی دستیابی فیزیکی به یک منبع را افزایش یا تسهیل می کنند، فراگیر و در اختیار همه نیستند. دسترسی به لوله و تجهیزات چاه، پمپ ها و برق و انرژی می تواند تعیین کند که چه کسی می تواند از آب زیرزمینی پمپاژ شده از فواصل بیشتر بهره برد، سلاح ها و سایر تجهیزات صید (تور و ابزار ماهیگیری) همچنین فناوری هایی هستند که می توانند حمایت از دسترسی های مبتنی بر حقوق و دسترسی غیرقانونی را تسهیل کنند اگرچه ابزار و تجهیزات ذکر شده برای ساکنان تالاب تاحدی

به دلیل موقعیت و قدرتی که ثروت فراهم می‌کند، صاحبان ثروت ممکن است دسترسی ممتازی به تولید و مبادله، فرصت‌ها، اشکال دانش، قلمروهای اقتدار و غیره داشته باشند (Ribot and Peluso, 2003).

"دسترسی به نیروی کار و فرصت‌های کار (اشتغال)" عاملی اثر بخش در تعیین دسترسی است زیرا تعیین می‌کند که چه کسی می‌تواند از منابع بهره‌مند شود. در ادبیات مربوطه آمده است کسانی که دسترسی به نیروی کار را کنترل می‌کنند (در اختیار دارند)، می‌توانند در هر مرحله‌ای که در طول عمر آن منبع یا در مسیر طی شده توسط کالاهای حاصل از آن به نیروی کار نیاز است، از یک منبع بهره ببرند (Lau et al., 2020). بر پایه شواهد وجود نیروی کار خانوادگی عامل مهمی در دسترسی به خدمات تالاب زربار است. خانوارهایی که از این پتانسل برخوردارند توانسته‌اند در چند بعد از خدمات تالاب منافع لازم را کسب کنند در همین رابطه یکی از ساکنان می‌گوید "خانواده‌هایی هستند چون جمعیتشان زیاده (نیروی کاری دارند) هم دامداری و کشاورزی می‌کنند، هم زنان و دخترانشان کار دستی سببافی انجام می‌دهند" با این حال این فعالیت‌ها نیز نیازمند کسب تجربه و آموزش‌های لازم است به همین دلیل تعداد خانوادگی با چنین پتانسیلی در منطقه قابل توجه نیست. کنترل فرصت‌های کار (مشاغل) نیز می‌تواند برای بهره‌مندی از منابع مورد استفاده قرار گیرد کسانی که فرصت‌های کار را در اختیار دارند، می‌توانند از کنترل خود برای کاهش دستمزدها در زمانی که چنین فرصت‌هایی کمیاب هستند استفاده کنند. کمبود و مازاد نیروی کار می‌تواند بر سهم نسبی مزایای منابع برای کسانی که نیروی کار را در اختیار دارند، کسانی که دسترسی به فرصت‌های کار را کنترل می‌کنند و کسانی که می‌خواهند دسترسی خود به این فرصت‌ها را حفظ کنند، تأثیر بگذارد. حتی اگر کسی از طریق حقوق مالکیت به منبعی دسترسی نداشته باشد و سرمایه لازم برای خرید فناوری یا انجام معاملات تجاری که به او حق یک منبع را می‌دهد نداشته باشد،

دسترسی به سرمایه را می‌توان برای کنترل دسترسی به منابع از طریق خرید حقوق و مجوزها استفاده کرد. بر پایه نتایج مصاحبه‌ها ضعف بنیه مالی و اقتصادی ساکنان نه تنها این امکان را از آنان گرفته بلکه سایر فعالیت‌های وابسته را نیز تحت تأثیر قرار داده و با محدودیت روبه‌رو کرده است چون سرمایه مالی عاملی برای مبادله و دسترسی به سایر اشکال سرمایه‌ای است (سرمایه فیزیکی و انسانی). علاوه بر این بسیاری از تجهیزات بهره‌بردار، تولید و استخراج خدمات نیازمند سرمایه مالی است در این راستا یکی از مصاحبه شونده‌گان بیان داشت "اینجا بخوای هر کاری را شروع کنی چون نزدیک تالاب است باید مجوز بگیری، مجوز گرفتن هم در دسر دارد هم پول زیاد می‌خواهد که اکثر مردم توانایی مالی ندارند، برای هزینه مربی کارگاه (صنایع دستی) ما را اذیت دادند آخرشم از جیب خودم دادم" همچنین می‌توان از سرمایه مالی برای حفظ دسترسی به منابع زمانی که برای پرداخت اجاره، هزینه‌های دسترسی رسمی یا خرید نفوذ بر افرادی که منابع را کنترل می‌کنند استفاده کرد (Shanahan et al., 2014; Liu et al., 2022). (Afrough et al., 2018) عامل اقتصادی (فقر و توان مالی کم) را از مهمترین عوامل تأثیرگذار به منظور مدیریت و بهره‌برداری پایدار از جنگل‌های استان لرستان توسط بهره برداران محلی برشمردند.

دسترسی به سرمایه در قالب "اعتبار و تسهیلات" نیز وسیله‌ای برای حفظ دسترسی به منابع است. وجود نظام بیمه کارآمد و یارانه‌های موثر می‌تواند سبب تداوم و پایداری دسترسی خدمات بویژه در حوزه کشاورزی تالاب زربار باشد. به اعتقاد ساکنان این امر خیلی مورد توجه جدی نهادها قرار نگرفته و ضعیف ارزیابی می‌گردد به گفته آنان "یارانه جهاد کشاورزی در حد کود و سم است" یکی دیگر از ساکنان افزود "هر سال باغات ما را سرما می‌برد بیمه می‌کنیم یک دهم ضرر ما را نیز جبران نمی‌کند". ثروت یا سرمایه همچنین بر انواع دیگر دسترسی‌ها تأثیر می‌گذارد، زیرا ثروت و قدرت بطور متقابل اثر پذیرند. به عبارت دیگر،

این محرک های طبیعی پدیده تغییرات اقلیم؛ خشکسالی و کاهش سطح و حجم آب تالاب در طی سالیان اخیر است که محدودیت دسترسی و کاهش سطح معیشت مردم حاشیه را به دنبال داشته است یکی از ساکنان در این باره می گوید "ما سال های گذشته اینجا برنج می کاشتیم، آب زیاد بود و کشاورزی رونق داشت، الان خشکسالی است آب دریاچه را ببینید چقدر عقب نشینی کرده و هر سال بدتر هم می شود، این نگران کننده است". در همین رابطه نتایج مطالعات اقلیمی تالاب زریبار، نشان دهنده کاهش معنادار میزان بارندگی ها، کاهش رطوبت نسبی و افزایش دمای هوا در حوضه آبریز تالاب زریبار می باشد؛ بنابراین زریبار به سمت تغییر اقلیم پیش می رود (Javidi deljavan and Hosseini, 2019). مطالعه تاثیر خشکسالی بر دریاچه ها و فعالیت های وابسته به آن (مورد دریاچه زریبار) نشان داد که خشکسالی از نظر کمی و کیفی بر آب دریاچه تاثیر منفی گذاشته است کاهش آب دریاچه زریبار تأثیراتی در زمینه های گردشگری، کشاورزی (زراعت، دامپروری و آبریان) داشته است. کاهش ۳۲ درصدی آبدهی چشمه ها، ۲۰ درصدی آبدهی چاه ها تنها بخشی از آثار خشکسالی در منطقه است (Esmaili, 2016). (Lau et al., 2017) در شبیه سازی تغییرات کاربری زمین و خدمات اکوسیستمی براساس سناریوهای مختلف تغییر اقلیم و سیاست گذاری بیان کردند تغییرات اقلیم و اجرای سیاست ها تاثیر قابل توجهی بر تغییرات در خدمات اکوسیستم در منطقه دارند.

از عوامل مهم دیگر این دسته در تعیین دسترسی، "موقعیت جغرافیایی" مناسب روستاهای پیرامون نسبت به تالاب از نظر نزدیکی و در نتیجه صرف هزینه و زمان کمتر برای دسترسی به خدمات تالاب است. حداکثر فاصله دورترین روستا از تالاب سه کیلومتر است و موانع طبیعی و جغرافیایی در مسیر دسترسی دیده نمی شود. (Mensah et al., 2017) بر اهمیت این عامل تاکید داشتند و دریافتند که دسترسی به خدمات تامینی اکوسیستم جنگل با افزایش فاصله تا جنگل و وجود کوهپایه ها در چشم انداز، که موانع

ممکن است با وارد شدن به یک رابطه کاری با کنترل کننده دسترسی به منابع، دارنده مجوز یا سایر مکانیسم های دسترسی مبتنی بر بازار به منابع دسترسی پیدا کند. عامل "دانش بومی و تخصصی" نیز بنا بر دیدگاه ساکنان در دسترسی به خدمات مهم تلقی شده است. افرادی که از دانش تخصصی و بومی در برخی از خدمات کمتر شناخته شده تالاب برخوردارند توانسته اند دسترسی مضاعفی برای خود قائل باشند. از جمله این موارد در حوزه تنوع زیستی گیاهی و جانوری تالاب و شناسایی و پرورش گیاهان دارویی و تولیدات تالابی است. (Liu et al., 2022) نشان داد که دانش بوم شناختی محلی بعنوان قابلیت فردی در تعیین دسترسی کشاورزان به خدمات اکوسیستم موثر است، کشاورزان با دانش بومی محلی غنی می توانند به راحتی به محصولات کشاورزی و چگونگی کنترل فرسایش دسترسی داشته باشند.

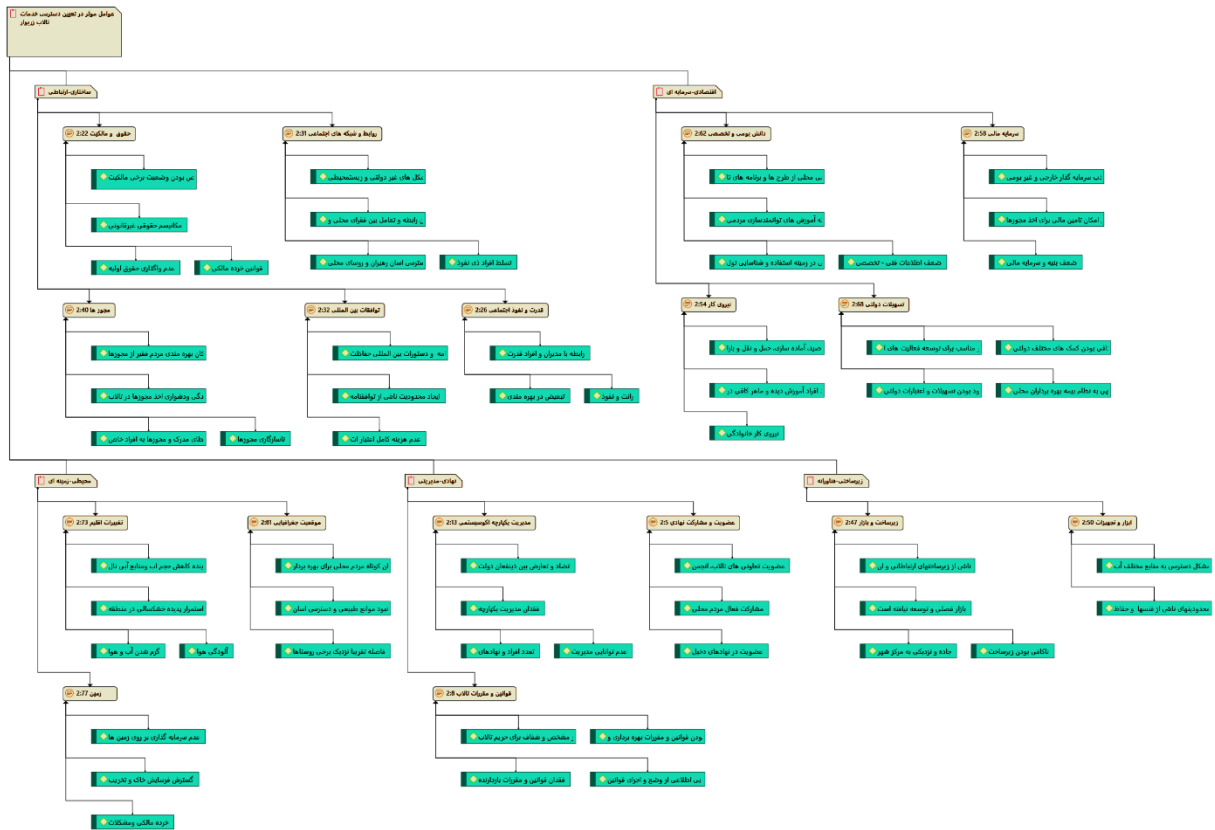
عوامل محیطی - زمینه ای

آخرین دسته از گروه عوامل موثر در تعیین دسترسی به خدمات اکوسیستم تالاب زریبار "عوامل محیطی - زمینه ای" هستند که این عوامل زیرعامل یا مضامینی چون تغییرات اقلیم، وضعیت زمین و موقعیت جغرافیایی را در بر داشته است.

علت اصلی تغییرات در طبیعت محرک های مستقیم تغییر شامل محرک های طبیعی و انسان ساخت هستند که بر دسترسی و عرضه منافع طبیعت به مردم تأثیر می گذارند (شکل ۱). محرک های طبیعی بطور مستقیم بر طبیعت تأثیر می گذارند، بعنوان مثال، رژیم آب و هوایی یکی از مهم ترین عوامل تعیین کننده توزیع اکوسیستم ها و زیست-بوم ها بر روی زمین است محرک های مستقیم نیز مستقیماً بر دارایی های انسانی تأثیر می گذارند برای مثال، زمانیکه مسکن یا سیستم های تامین آب و برق و زیرساخت ها توسط زلزله یا طوفان مختل می شوند (Pascual et al., 2017). تالاب زریبار نیز بعنوان یک اکوسیستم طبیعی از محرک های انسانی و طبیعی تاثیرپذیر بوده است. از اثرگذارترین

کاهش می‌دهد و به پیشبرد توسعه انسانی کمک می‌کند. در حاشیه تالاب زریبار نیز زمین اهمیت و جایگاه مهمی هم از جهت کشاورزی و تولید و هم از بعد ارزش مادی و کاربری‌ها دارد. موجودیت زمین و انواع کاربری‌های آن در حاشیه تالاب عامل مهمی در دستیابی به منافع و دسترسی‌های دیگر است اما این مهم با محدودیت‌هایی چون مالکیت‌های غیرشفاف، عدم سرمایه‌گذاری و فرسایش روبه‌رو است.

طبیعی را تشکیل می‌دادند، کاهش یافته بود. "زمین" یکی از این فاکتورهای مهم به شمار می‌رود که بهره‌گیری و ترکیب متناسب آن با سایر نهاده‌ها و منابع، تضمین‌کننده ارتقای بهره‌وری و بهبود اقتصاد خانواده‌های کشاورزان می‌شود در بخش کشاورزی زمین از آن رو برای مردم فقیر روستایی حیاتی است که منبعی برای تأمین غذا، سرپناه، درآمد و حقوق اجتماعی به شمار می‌رود. بنابراین، تضمین دسترسی به زمین، آسیب‌پذیری در برابر فقر را



شکل ۳- نقشه دیداری مقوله‌های اصلی، فرعی و کدهای استخراج شده از مطالعه
 Fig. 3- Visual map of the main, sub-categories and codes extracted from the study

است، این دسته‌بندی‌ها با توجه به رویکرد و اهداف پژوهش دارای ماهیت اکتشافی بوده بطوریکه هیچ کدام متمایز یا کامل نیست. هر شکلی از دسترسی ممکن است مکانیسم‌های دسترسی دیگر را فعال، در تعارض یا تکمیل کند و منجر به الگوهای اجتماعی پیچیده توزیع سود و منافع شود. اینکه این دسته‌بندی‌های تحلیلی کجا و چگونه با هم تطبیق می‌یابند به شبکه روابط دسترسی که هر کدام

نتیجه‌گیری

در این مطالعه با بررسی عمیق موضوع در قالب یک تحلیل کیفی پنج عامل اصلی و کلیدی (گروه عامل) و ۱۷ عامل فرعی (زیرعامل) موثر از دیدگاه افراد مطلع و صاحب نظر استخراج گردید. عوامل دسته‌بندی شده موثر شامل عوامل نهادی-مدیریتی، ساختاری - ارتباطی، زیرساختی-فناورانه، اقتصادی - سرمایه‌ای و محیطی - زمین‌های است. بدیهی

در آن تعبیه شده است؛ بستگی دارد. بدون شک، مجموعه‌ای از مکانیسم‌های دسترسی چگونگی بهره‌مندی یا بهره‌برداری افراد ذینفع از خدمات اکوسیستمی تالاب و نحوه‌ی انجام این کار را تحت تاثیر قرار می‌دهند. بنابراین، بررسی مکانیسم‌های تعیین دسترسی افراد می‌تواند به شناسایی مداخلات موفقیت‌آمیز یا موانع بازدارنده مختلف دسترسی کمک کند. درک دسترسی به خدمات اکوسیستم در جوامع وابسته به منابع می‌تواند مبادلات بین ابعاد مختلف رفاه انسانی را برجسته کند. دسترسی پویا و هدایت شده به خدمات اکوسیستم تالاب زیربار مستلزم تعامل و تعادل در اهداف حفاظت اکوسیستم و توسعه معیشت‌های وابسته با اهتمام به عوامل شناسایی شده تعیین دسترسی است.

برخی از مزایای خدمات تالاب زیربار هنوز توسط مؤسسات و نهادهای دولتی کنترل شده و حکومت مرکزی یا محلی در مقیاس‌هایی ممکن است سطح دسترسی افراد بومی را تقویت یا تضعیف کنند. اساساً کیفیت و کمیت مشارکت فعال و واقعی ذینفعان در فرایندهای مختلف تصمیم‌گیری و اجرائی تالاب مستلزم وجود بسترهای ساختاری و نهادی است و اگر دولت این زمینه‌های نهادی را تسهیل و تقویت نکند؛ طبیعی است که مشارکت واقعی مردم محلی تحقق نخواهد یافت و سطح دسترسی آن‌ها به خدمات اکوسیستم نیز محدود می‌شود. همانگونه که قبلاً ذکر شد، تجزیه و تحلیل دسترسی، فرآیند شناسایی و ترسیم مکانیسم‌هایی است که به وسیله آن‌ها دسترسی بدست آمده، حفظ و کنترل می‌شود. بررسی اجمالی مطالعات پیشین مرتبط با این موضوع در مناطق مختلف جهان نشان می‌دهد که هر منطقه و اکوسیستم مکانیسم‌های خاص خود را برای دسترسی فعال کرده است از جمله این مکانیسم‌ها شامل قابلیت‌های فردی، سرمایه مالی، موقعیت جغرافیایی، مکانیسم‌های حقوقی نهادی، دانش، حمل و نقل شخصی، مکانیسم روانی اجتماعی و غیره بودند (Shanahan *et al.*, 2014; Lakerveld *et al.*, 2015; Mensah *et al.*, 2017; Szaboova *et al.*, 2020; Liu *et al.*, 2022)

این مطالعه نشان می‌دهد که مقررات و ترتیبات سازمانی مختلف در رابطه با دسترسی افراد بجای تقویت تعامل و رابطه مناسب تا حدی موجب انواع مختلفی از روابط مبادله و حقوق نابرابر در حوزه این اکوسیستم شده است. بررسی عمیق‌تر گویای نقش قدرت-چه از جانب نیروها و کارکنان دولتی و چه در میان طبقات مختلف مردم محلی- در شکل دادن سطح و نحوه دسترسی افراد جامعه به مزایای محیط طبیعی اطراف خود بوده است. البته، دسترسی به خدمات اکوسیستم در جوامع حاشیه تالابی پیچیده و در حال تغییر با درهم‌تنیدگی روابط و متاثر از عوامل اقتصادی، محیطی و ... است. توجه به این درهم‌تنیدگی‌ها می‌تواند به رویکردهای خدمات اکوسیستم کمک کند تا جنبه‌های پویا و رابطه‌ای قدرت را که نحوه دسترسی مردم به منابع را در شرایط در حال تغییر شکل می‌دهند، تقویت کنند. در حاشیه تالاب زیربار، ضعف سازوکارهای حقوقی و مجوزها منجر به تمرکز مالکیت و کنترل عده‌ای خاص بر روی عمده خدمات تالاب (بویژه شیلات و گردشگری) و سرمایه‌گذاری‌های سوداگرانه در منطقه شده است که قیمت مجوزها و سهمیه‌ها را افزایش داده است این امر منجر به چالش‌های خاصی برای افراد بومی فقیر در تامین حقوق دسترسی در قالب سهمیه‌ها یا مجوزهای استفاده از منطقه گردیده است. عدم مشارکت عادلانه و موثر در فرآیندهای تصمیم‌گیری تالاب نشان می‌دهد که تلاش‌های فعلی دولت برای ترویج مشارکت مدیریت مشترک در زیربار جامع و کافی نبوده است. مهمترین عوامل اثرگذار در وضعیت مدیریت جامع تالاب زیربار وضعیت سیاست‌گذاری‌ها در این زمینه است. با این وجود مسائل مهم و متعددی بر کارآمدی سیاست‌های زیست‌محیطی موجود و قوانین مدیریت تالاب‌ها سایه افکنده‌اند و از دستیابی به کارایی مطلوب حفاظت و حمایت و بهره‌برداری از تالاب‌ها جلوگیری می‌کنند. با عنایت به نتایج و یافته‌های این پژوهش پیشنهاداتی در همین راستا ارائه می‌گردد:

- چارچوب دسترسی که در مطالعه ارائه شد می‌تواند برای

- عوامل ساختاری - ارتباطی (مجوزها، حقوق و مالکیت، تعهدات جهانی و ...) نقش پررنگی در شکل‌دهی دسترسی ساکنان به خدمات زیربار داشتند که بیشتر مانع تلقی گردیدند لذا بازنگری در مجوزها و انعطاف‌پذیری در تعهدات بین‌المللی، ممانعت از سواستفاده افراد بانفوذ و عدالت در دسترسی و برطرف کردن تعارضات مالکیت از اقدامات اولویت‌دار این حوزه است.

- کلید حفاظت از دارایی‌ها و خدمات تالاب زیربار (یا هر اکوسیستم دیگر) متعادل کردن عرضه خدمات با تقاضای ساکنان محلی است. که این مهم نیازمند پایش مستمر خدمات اکوسیستم زیربار جهت عرضه پایدار و نیازسنجی محلی جهت کاهش محدودیت‌های دسترسی است.

- بینش‌های ارائه شده و عوامل شناسایی شده توسط این تحقیق می‌تواند دولت و سازمان‌های مربوطه را برای اتخاذ تصمیمات مبتنی بر شواهد در مورد چگونگی رسیدگی به مسائل دسترسی در سیاست‌ها و مدیریت تالاب زیربار حمایت کند.

سپاسگزاری

بدین وسیله از تمامی جوامع محلی حاشیه تالاب زیربار، بویژه کسانی که وقت خود را برای مصاحبه به این پژوهش اختصاص دادند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

پی‌نوشت

¹ The Intergovernmental Science-Policy Platform on Biodiversity and Ecosystem Services

References

Aazami, M. and Shanazi, K., 2018. The impacts of Zarivar wetland on the livelihood assets of rural households. *Geography and Development*. 16(51), 25-42 (In Persian with English abstract). <https://doi.org/10.22111/gdij.2018.3848>

Afrough, A., Zare Mehrjerdi, M.R., Amirtaimoori, S., Mirzaei Khalilabadi, H.R. and Baniasadi, M., 2018. Identification and ranking of factors affecting lack of participation of local beneficiaries in management, preservation and reclamation of Lorestan oak forests. *Iranian Journal of Forest and Poplar Research*. 26(3), 393-405. (In Persian with

تجزیه و تحلیل تضادها و تعارضات منابع خاص مورد استفاده قرار گیرد تا مشخص گردد چگونه این تضادها می‌توانند به ابزاری تبدیل شوند که توسط آن بازیگران مختلف منافع منابع ملموس و ناملموس را به دست می‌آورند یا از دست می‌دهند.

- بیشتر خدمات اکوسیستمی هم از طریق فرآیندهای اکوسیستمی و هم از طریق اقدامات اجتماعی تولید می‌شوند، و بنابراین ارزیابی آن‌ها را نمی‌توان از بافت اجتماعی که در آن تعبیه شده است جدا کرد. در نتیجه، توصیه می‌گردد که تحقیقات خدمات اکوسیستمی بیشتر با رویکردهای فرآیندگرا، زمینه‌ای خاص و یکپارچه، براساس شناخت پیچیدگی واقعیت‌های اجتماعی - اکولوژیکی صورت گیرد.

- توسعه و مدیریت منابع تالابی در شکل فعلی و متمرکز بر حفاظت از محیط‌زیست مشکل‌ساز است زیرا واقعیت‌های اجتماعی محلی را نادیده می‌گیرد لذا پشتیبانی از معیشت‌های سازگار باید تکمیل‌کننده اجرای مکانیسم‌های حکمرانی منابع تالابی برای کاهش پیامدهای منفی ناخواسته باشد.

- دسترسی بیشتر و سودآورتر کردن برخی خدمات (بویژه خدمات فرهنگی) برای عموم، حفاظت از طبیعت را با رفاه اجتماعی و اقتصادی پیوند می‌دهد و برداشت بیش از حد از خدمات تأمینی را کاهش می‌دهد. لذا توسعه زیرساخت‌های گردشگری (اکوتوریسم) و بازارچه‌های محلی در حاشیه زیربار متناسب با نیازها در بهبود دسترسی موثر خواهد بود.

منابع

English abstract). <https://doi.org/10.22092/ijfpr.2018.117742>

Agarwala, M., Atkinson, G., Fry, B., Homewood, K., Mourato, S., Rowcliffe, J.m., Wallace, G. and Milner-Gulland, E., 2014. Assessing the Relationship Between Human Well-being and Ecosystem Services: A Review of Frameworks. *Conservation and Society*. 12(4), 437. DOI: 10.4103/0972-4923.155592

Baviskar, A., 2001. Written on the body, written on the land: Violence and environmental struggles in

- central India. *Violent Environments*. 354-379.
- Bennett, N.J., Ban, N.C., Schuhbauer, A., Splichalova, D.V., Eadie, M., Vandeborne, K. and Sumaila, R., 2021. Access rights, capacities and benefits in small-scale fisheries: insights from the pacific coast of Canada. *Marine Policy*. 130, 104581. <https://doi.org/10.1016/j.marpol.2021.104581>
- Bennett, N.J., Kaplan-Hallam, M., Augustine, G., Ban, N., Belhabib, D., Brueckner-Irwin, I. and Bailey, M., 2018. Coastal and Indigenous community access to marine resources and the ocean: A policy imperative for Canada. *Marine Policy*. 87, 186-193. <https://doi.org/10.1016/j.marpol.2017.10.023>
- Berkes, F., 2017. Environmental governance for the anthropocene? Social-ecological systems, resilience, and collaborative learning. *Sustainability*. 9(7), 1232. <https://doi.org/10.3390/su9071232>
- Bhatt, Y., Ghuman, K. and Dhir, A., 2020. Sustainable manufacturing. Bibliometrics and content analysis. *Journal of Cleaner Production*. 260, 1-17. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2020.120988>
- Braun, V. and Clarke, V., 2006. Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*. 3(2), 77-101.
- Brockington, D. and Wilkie, D., 2015. Protected areas and poverty. *Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences*. 370(1681), 20140271. 1-6, <https://doi.org/10.1098/rstb.2014.0271>
- Clarkson, B.R., Ausseil, A.G.E. and Gerbeaux, P., 2013. Wetland ecosystem services. *Ecosystem services in New Zealand: conditions and trends*. Manaaki Whenua Press. Lincoln, 1, 192-202. mwpres.co.nz
- Costanza, R., De Groot, R., Braat, L., Kubiszewski, I., Fioramonti, L., Sutton, P. and Grasso, M., 2017. Twenty years of ecosystem services: how far have we come and how far do we still need to go? *Ecosystem services*. 28, 1-16. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2017.09.008>
- Daw, T.M., Coulthard, S., Cheung, W.W.L., Brown, K., Abunge, C., Galafassi, D., Peterson, G.D., McClanahan, T.R., Omukoto, J.O. and Munyi, L., 2015. Evaluating taboo trade-offs in ecosystems services and human well-being. *Proceedings of the National Academy of Sciences*. (2), 6949-6954. <https://doi.org/10.1073/pnas.1414900112>
- Dawson, N. and Martin, A., 2015. Assessing the contribution of ecosystem services to human wellbeing: A disaggregated study in western Rwanda. *Ecological Economics*. 117, 62-72. <https://doi.org/10.1016/j.ecolecon.2015.06.018>
- Díaz, S., Demissew, S., Carabias, J., Joly, C., Lonsdale, M., Ash, N., Zlatanova, D., 2015. The IPBES Conceptual framework-Connecting nature and people. *Current Opinion in Environmental Sustainability*. 14, 1-16. <https://doi.org/10.1016/j.cosust.2014.11.002>
- Djoudi, H., Brockhaus, M. and Locatelli, B., 2013. Once there was a lake: vulnerability to environmental changes in northern Mali. *Regional Environmental Change*. 13, 493-508. <https://doi.org/10.1007/s10113-011-0262-5>
- Fisher, J.A., Patenaude, G., Giri, K., Lewis, K., Meir, P., Pinho, P., Rounsevell, M.D. a. and Williams, M., 2014. Understanding the relationships between ecosystem services and poverty alleviation: A conceptual framework. *Ecosystem Services*. 7, 34-45. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2013.08.002>
- Ghermandi, A., Van Den Bergh, J.C., Brander, L.M., De Groot, H.L., Nunes, P.A., 2010. Values of natural and human-made wetlands: a meta-analysis. *Water Resources Research*. 46 (12). <https://doi.org/10.1029/2010WR009071>
- Given, L.M., 2008. *The sage encyclopedia of qualitative method*. Vol.1. Californi: Sage. 29-27
- Guba, E.G. and Lincoln, Y., 1989. *Fourth generation evaluation*. Newbury Park, CA: Sage.
- Hauck, J., Görg, C., Varjopuro, R., Ratamáki, O. and Jax, K., 2013. Benefits and limitations of the ecosystem services concept in environmental policy and decision making: some stakeholder perspectives. *Environmental Science & Policy*. 25, 13-21. <https://doi.org/10.1016/j.envsci.2012.08.001>
- Hicks, C.C. and Cinner, J.E., 2014. Social, institutional, and knowledge mechanisms mediate diverse ecosystem service benefits from coral reefs. *Proceedings of the National Academy of Sciences*. 111(50), 17791-17796. <https://doi.org/10.1073/pnas.1413473111>
- Islam, G.M.N., Tai, S.Y., Kusairi, M.N., Ahmad, S., Aswani, F.M.N., Senan, M.K.A.M. and Ahmad, A., 2017. Community perspectives of governance for effective management of marine protected areas in Malaysia. *Ocean & Coastal Management*. 135, 34-42. <https://doi.org/10.1016/j.ocecoaman.2016.11.001>
- Javidi deljavan, S. and Hosseini, S. M., 2019. The Role of Water Resources Management in Controlling the Quantitative and Qualitative Changes of Water Resources due to Climatic Changes in the Catchment Area of Zarivar Wetland. *Journal of Environmental Studies*. 45(2), 361-377. (In Persian with English abstract). 20.1001.1.10258620.1398.45.2.12.6
- Jayathilaka, R. and Serasinghe, P., 2018. Willingness to pay for wetland conservation in Sri Lanka: a contingent valuation study. *Sri Lanka Economic Journal*. 15(1).
- Kelemen, E., Potschin, M., Martín-López, B.,

- Pataki, G., 2016. Ecosystem services: a gender perspective. In: Potschin, M., Jax, K. (eds): *OpenNESS Ecosystem Services Reference Book*. EC FP7 Grant Agreement no. 308428.
- Lakerveld, R.P., Lele, S., Crane, T.A., Fortuin, K.P.J. and Springate-Baginski, O., 2015. The social distribution of provisioning forest ecosystem services: Evidence and insights from Odisha, India. *Ecosystem Services*. 14, 56-66. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2015.04.001>
- Lau, J.D., Cinner, J.E., Fabinyi, M., Gurney, G.G. and Hicks, C.C., 2020. Access to marine ecosystem services: Examining entanglement and legitimacy in customary institutions. *World Development*. 126, 104730. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2019.104730>
- Liu, D., Chen, H., Geng, T., Shi, Q. and Chen, W., 2022. The impact of individual capabilities on the access to ecosystem services: a case study from the Loess Plateau, China. *Environmental Science and Pollution Research*. 1-13. <https://doi.org/10.1007/s11356-021-16486-7>
- Martinez-Harms, M.J., Bryan, B.A., Wood, S.A., Fisher, D.M., Law, E., Rhodes, J.R. and Wilson, K.A., 2018. Inequality in access to cultural ecosystem services from protected areas in the Chilean biodiversity hotspot. *Science of the total environment*. 636, 1128-1138. <https://doi.org/10.1016/j.scitotenv.2018.04.353>
- Mensah, S., Veldtman, R., Assogbadjo, A.E., Ham, C., Kakai, R.G. and Seifert, T., 2017. Ecosystem service importance and use vary with socio-environmental factors: A study from household-surveys in local communities of South Africa. *Ecosystem Services*. 23, 1-8. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2016.10.018>
- Millennium Ecosystem Assessment., 2005. *Ecosystems and Human Well-being: Synthesis*. Washington DC: Island Press
- Müller, F. and Burkhard, B., 2012. The indicator side of ecosystem services. *Ecosystem Services*. 1(1), 26-30. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2012.06.001>
- Negev, M., Sagie, H., Orenstein, D.E., Shamir, S.Z., Hassan, Y., Amasha, H. and Izhaki, I., 2019. Using the ecosystem services framework for defining diverse human-nature relationships in a multi-ethnic biosphere reserve. *Ecosystem Services*. 39, 100989 <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2019.100989>
- Nita, A., Ciocanea, C.M., Manolache, S. and Rozyłowicz, L., 2018. A network approach for understanding opportunities and barriers to effective public participation in the management of protected areas. *Social Network Analysis and Mining*. 8(1), 31. <https://doi.org/10.1007/s13278-018-0509-y>
- Oldekop, J.A., Holmes, G., Harris, W.E. and Evans, K.L., 2016. A global assessment of the social and conservation outcomes of protected areas. *Conservation Biology*. 30(1), 133-141. <https://doi.org/10.1111/cobi.12568>
- Ostrom, E., 2010. A multi-scale approach to coping with climate change and other collective action problems. *Solutions*. 1(2), 27-36.
- Pascual, U., Balvanera, P., Diaz, S. and Wickson, F., 2017. Valuing nature's contributions to people: The IPBES approach. *Current Opinion in Environmental Sustainability*. 7-16. <https://doi.org/10.1016/j.cosust.2016.12.006>
- Patton, M., 2002. *Qualitative research and evaluation methods*. California: Thousand Oaks.
- Peluso, N.L., 2009. Rubber erasures, rubber producing rights: Making racialized territories in West Kalimantan, Indonesia. *Development and change*. 40(1), 47-80. <https://doi.org/10.1111/j.1467-7660.2009.01505.x>
- Ramsar Information Sheet., 2019. Iran (Islamic Republic of) Zarivar wetland, <https://rsis.ramsar.org/ris/2369>
- Ribot, J.C. and N.L. Peluso., 2003. A theory of access. *Rural Sociology*. 68 (2), 153-181.
- Rodriguez-Martínez, R.E., 2008. Community involvement in marine protected areas: The case of Puerto Morelos reef, México. *Journal of environmental management*. 88(4), 1151-1160. <https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2007.06.008>
- Salata, S., Garnerio, G., Barbieri, C.A. and Giaino, C., 2017. The integration of ecosystem services in planning: An evaluation of the nutrient retention model using InVEST software. *Land*. 6(3), 48. <https://doi.org/10.3390/land6030048>
- Sandifer, P.A., Sutton-Grier, A.E. and Ward, B.P., 2015. Exploring connections among nature, biodiversity, ecosystem services, and human health and well-being: Opportunities to enhance health and biodiversity conservation. *Ecosystem services*. 12, 1-15. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2014.12.007>
- Schmeller, D.S. and Bridgewater, P., 2016. The Intergovernmental Platform on Biodiversity and Ecosystem Services (IPBES): progress and next steps. *Biodiversity and Conservation*. 25, 801-805. <https://doi.org/10.1007/s10531-016-1095-9>
- Shanahan, D.F., B.B. Lin, K.J., Gaston, R. Bush, and R.A. Fuller., 2014. Landscape and Urban Planning Socio-Economic Inequalities in Access to Nature on Public and Private Lands: A Case Study from Brisbane, Australia. *Landscape and Urban Planning*. 130, 14-23. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2014.06.005>
- Sundar, N., 2001. Beyond the bounds? Violence at the margins of new legal geographies. *Violent environments*. 328-353.

Szaboova, L., Brown, K. and Fisher, J.A., 2020. Access to ecosystem benefits: more than proximity. *Society & Natural Resources*. 33(2), 244-260. <https://doi.org/10.1080/08941920.2018.1556759>

Tengo, M., Hill, R., Malmer, P., Raymond, C., Spierenburg, M., Danielsen, F., Elmqvist, T. and Folke, C., 2016. Weaving knowledge systems in IPBES, CBD and beyond – lessons learned for sustainability. *Current Opinions in Environmental Sustainability*. 17–25. <https://doi.org/10.1016/j.cosust.2016.12.005>

Wang, Y.Z., Hong, W., Wu, C.Z., He, D.J., Lin, S.W. and Fan, H. L., 2008. Application of landscape ecology to the research on wetlands. *Journal of Forestry Research*. 19(2), 164-170. <https://doi.org/10.1007/s11676-008-0029-0>

Yang, W., Dietz, T., Kramer, D.B., Ouyang, Z. and Liu, J., 2015. An integrated approach to understanding the linkages between ecosystem services and human well-being. *Ecosystem health and sustainability*. 1(5), 1-12. <http://dx.doi.org/10.1890/15-0001.1.sm>

Yang, Y.E., Passarelli, S., Lovell, R.J. and Ringler, C., 2018. Gendered perspectives of ecosystem services: A systematic review. *Ecosystem Services*. 31, 58-67. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2018.03.015>

Zaldivar-Jiménez, A., Ladrón-de-Guevara-Porras, P., Pérez-Ceballos, R., Díaz-Mondragón, S. and Rosado-Solórzano, R., 2017. US-Mexico joint Gulf of Mexico large marine ecosystem based assessment and management: Experience in community involvement and mangrove wetland restoration in Términos lagoon, Mexico. *Environmental Development*. 22, 206-213. <https://doi.org/10.1016/j.envdev.2017.02.007>

Zhu, H., Guan, Z. and Wei, X., 2016. Factors influencing farmers' willingness to participate in wetland restoration: Evidence from China. *Sustainability*. 8(12), 1. <https://doi.org/10.3390/su8121325>

